

قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

هادی بهزاد

يك بازار نو ظهور وحشت انگيز

بدست گروهی از متولیان " دینی" و به نام خدا و رسول و قرآن برای این سرزمین تحمیل شده است .

عصر دوا ندیشه گریزگ ایران (خواجسته شمس الدین محمد حافظ مولانا عبید زاکانی) و بطور کلی دوره ی فترتی که با مرگ سلطان ابوسعید آخرین پادشاه سلسله ایلیخانی آغا زمیشود و تا استیلای تیمورگورکانی آدا مه دارد، یکی از مشخص ترین ادواری است که عرصه ی زندگانی به جولانگاه دهک انداران دین و بساط کرفرا نورا نی نظیر مبارالدین محمد تبدیل شده است که هر روز محض شگون و صواب ، در فاصله ی هر دو نماز سری یا سرهای را بدست خود از بدنهای جدا میکرد تا به "میمنت" این "ا مرخیر" پیشا پیش سهم خود را از غرقه ها و حوریان بهشتی تشبیت کرده باشد .

بقیه در صفحه ۲

سید رضوانی

اهام احمد خویی

" ولفگانگ گونترلرش " مفسر سیاسی روزنامه فرا نکتور ترا لگما یه یکی از معدود مفسران خارجی است که مسائل کنونی ایران را می فهمد و اغلب اوقات ، با روشن بینی تحلیل میکند .

این روزنامه نگار آلمانی که در سالهای اخیر چندین بار به ایران سفر کرده و اظهارات ظاهرا " با محافل ایرانی در ارتباط " است ، در آخرین گزارش تحلیلی خود راجع به اوضاع داخلی ایران اظهار نظر میکند که رژیم آیت الله خمینی با سه مسأله اساسی دست بگریبان است :

بقیه در صفحه ۴

عناصر دامنستان سرابی

در دامنستان های ایرانی و سامی

در صفحه ۶

تاریخ ایران در مراحل متفاوت روایت از جنایت ها و ورذالت های دارنده هر بار

ماجرای وحیدگرچی

رسوایی تازه سفارت خمینی

وحیدگرچی که به عنوان نغدوم سفارت جمهوری اسلامی درپاریس شهرت یافته است و از یک ماه پیش بدنبال بر ملا شدن ارتباطش با شبکه های تروریستی بنیاد گرای اسلامی در فرانس و صدور حکم حضارش از سوی مقامات قضایی فرانسه نا پدید شده بود ، در میان شگفتی خبرنگاران ، پنجشنبه شب - دوم ژوئیه - ناگهان در سفارت جمهوری اسلامی درپاریس ظاهر شد و سمت مترجمی غلامرضا حدادی کاردار جمهوری اسلامی را در کنفرانس مطبوعاتی وی بر عهده گرفت .

ماجرای آنجا آغاز شد که پلیس فرانسه با حکم "ژیل بولوک" قاضی مسئول پیگیری پرونده های مربوط به تروریسم ، روز سوم ژوئن گذشته در نظر داشت وحیدگرچی را همراه با بیش از ۵۰ تن دیگر از اتباع ایران و کشورهای عرب و خاور میانه ای در ارتباط با شبکه های تروریستی اسلامی در بقیه در صفحه ۱۰

بقیه در صفحه ۱۰

خلیج فارس دور از آرامش و امنیت

قانونی بودا که اگر تضویب شود رونالدیگان را از بکار رگیری رزمنا و های نیروی دریایی برای اسکورت نفتکش های کویتی بازمیدارد .

دمکرات ها که از ماه نوا میرگذشته اکثریت کنگره را در دست دارند ، هیئت به کاخ سفید گسیل داشته اند تا تصمیم خطیر ریاست جمهوری را "ماجرای جویبی خطرناک و بازی با حیثیت امریکا" توصیف کند . این هیئت که یک سناتور جمهوریخواه نیز در آن عضویت داشت ،

بقیه در صفحه ۳

یاد دلاوران قیام ملی ۱۸ تیر ۱۳۵۹ پیشتازان نبرد رهایی ایران را گرامی میداریم

حینعلی مشکان

مذهب دولتی بجای دولت مذهبی

محسوب میشود ، رژیم آیت الله محراب و منبر را نیز مانند مطبوعات و رادیو و تلویزیون جزو نهاد های دولتی می شناسد بقیه در صفحه ۱۲

اقتصاد مبتنی

بر صدور عبا

رهائی از اقتصاد تک محصولی هدف عمده همه کشورهای است که اقتصاد ملی شان عمدتاً " بزرگ محوری " چرخد . همه کشورهای که دارای اقتصاد تک محصولی هستند ، بی استثنا در شمار کشورهای هستند که در تعریف از آنها به عنوان " عقب مانده " نام برده می شود ، حجم ثروتی که از راه صادرات آن یگان محصول عمده نصیب کشورهای نامبرده می شود ، تغییری در ساختار اقتصادی آنها بوجود نیاورده است ، هر چند که یک کشور در آمد صادراتی کلان و جمعیت آنسکد بقیه در صفحه ۵

زمان آیت الله خمینی در باره آیت الله کاشانی گفته بود " کاشانی ، مذهبیون را سیاسی کرد در حالی که میبایست سیاسیون را مذهبی کند " !

با این طرز فکر ، هدف آیت الله خمینی از ابتدا این بود که دولت را در ایران مذهبی کند ولی بعد از هشت سال ، عملاً مذهب را دولتی کرده است .

وقتی مذهب ، دولتی شد آخوند هم دولتی میشود یعنی مثل یک کارمند دولت بایست از دولت دستور بگیرد و سیاست های دولت را اجرا کند . آخوندی که خود را صاحب اجتهاد مستقل از دولت بداند و برخلاف سیاست دولت قدم بردارد که رند خا طمی محسوب میشود و قهرا " دولت برایش پروتکته تشکیل می دهد و او را به دیوان کیفری کارمندان دولت میفرستد .

دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم روحانیون که اخیراً " آیت الله خمینی تشکیل داد ، دادگاه های استمانند دیوان کیفری کارمندان دولت ، کمانی که بر تاسیس این دادگاهها پراگرفته اند و میگویند چرا نام روحانیون چرا با پدر دادگاه اختصاصی رسیدگی شود توجه به این نکته ندادند که دولت و مذهب را آیت الله خمینی یکی کرده است و بنا بر این کسی که لباس مذهبی بتن میکند از نظر رژیم کارمند دولت مذهبی یا مذهب دولتی .

نوشته دیوید هرست

رسول الله دیگری

برای ملت ایران!

مشکل مجاهدین خلق که آید ثلوی آن ها آمیخته بی از فکر اسلامی و اندیشه های مارکسیستی است این است که های وهوی و بانگ و فریادشان ، بسیار بیش از کار و کردارشان است . آن ها مبالغه هنگفتی را

بقیه در صفحه ۵

بقیة از صفحه ۱

در این دوران، عذاب و پیریشانی و درد و جنایت و نا مردمی به حدی است که بقول عباس اقبال، حتی مالچترین افراد جامعه چون حافظ در آن مرتبه ی بلند از آزادی و تفکر و تمیز، حضور هیولای خونریزویی با کی نالیبر تیمور را به دعا و جان طلب می کنند، بلکه به تیغ او این دمل چرکین و پیردگشوده شود. سوخته درجه صبر از بهر آن شمع جگله "شاه ترکان" فارغ است از حال ماکورستی؟

اهل کامونا زرا در کوی رندان راه نیست رهروی با یدجها نسوزی، نه خامی بیغمی خیزتا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم کز نسیمش بوی جوی مولیان آیدهمی مولانا عبیدنیز در آتش همین بیداد دینی است که بی محابا زبان تیزتر از تیغ تیموری را به رسوا ساختن قبیلای تبهکار رشخان و مفتیان و فقیهسان و قاضیان و محتسبان "دین پناه" وقف می کند:

الشیخ = ابلیس
التلبیس = کلماتی که در باب دنیا گوید
الوسوسه = آنچه در باب آخرت گوید
المبلمات = کلماتی که در معرفت راند
ویا در آن قصه شیرین و نقد جا نسدان
"دکان داران دین" و دکانشان را به سخره میگیرد:

"مولانا شرف الدین دامغانی برادر مسجدی میگذشت خادم مسجد سگی را پیچیده بود و میزد و سگ فریاد میکرد. مولانا در مسجد بگشاد، سگ بدرجست، خادم با مولانا عتاب کرد، مولانا گفت ای یار معذورم دار که سگ عقل ندارد. از بی عقلی در مسجد میاید، ما که عقل داریم هرگز ما را در مسجد دیده ای؟"

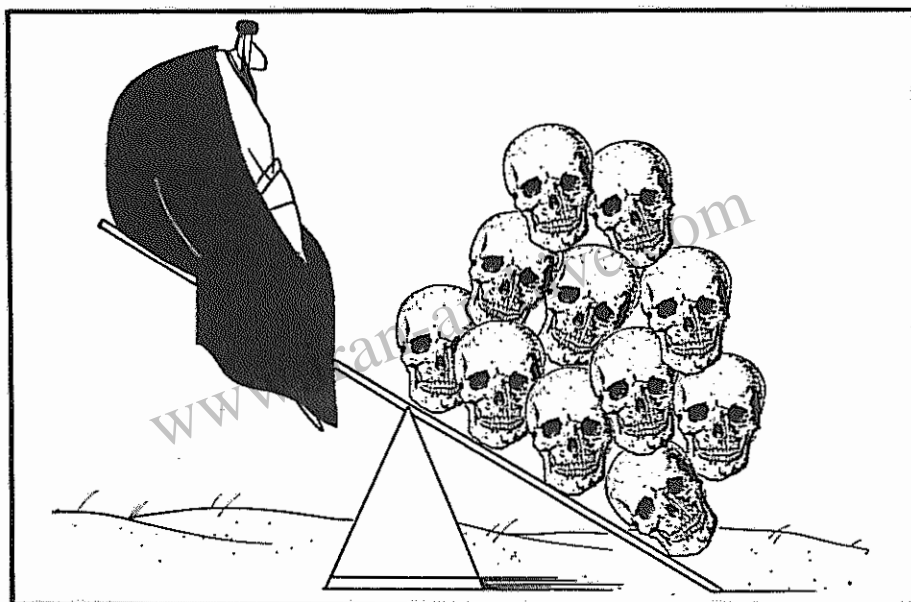
اگر آن دو بزرگوار رسا زگورترن ها بر میآوردند و بر حال و روز مردم دیا رخود در این روزگار که به اعتباری "عصر حرمت به حقوق بشروا ندیشه ای آزاد" عنوان گرفته است نظری می دوختند و می دیدند که "نخستین حکومت الله" از چنجهای خود چه تحفه ای بیرون کشیده است، بسا همان بزرگواران از سرتقصیرات جانورانی چون مبارزالدین محمد میگذشتند و چه بسا با همه توانا بیها و نبوغی که به شرح و وصف معتقدات خود و حوادث روزگار نشان داده اند، زبان در میکشیدند و قلم را راه می کردند که حقا هیچ کلمه و عبارت و هیچ ذهن روشن و توانا و هیچ قریحه ای آزاد زنده ای قدرت آن ندارد تا این سلسله بی انتهای جنایت ها و رذالت ها را در خور واقعیت ها به زبان و قلم بیاورد:

که اگر مبارزالدین محمدی با قتل نفسی جاده ی بهشت را بروی خود همسوار و خمخانه ای را ویران میکرد، در ایسن روزگار هزاران آیت الله و حجت الاسلام و ثقه الاسلام و پیشما زوفقیه عالیقدر و دانی قدر، مثل علف هرز از زمین خدا روئیده و بنا م قرآن و اسلام براجساد میلیونها انسان از کودک نه ساله تا پیر هشتاد ساله خیمه قدرت زده اند و با خون میلیونها و ضومیسازند، بودند و نبود ملتیی را به غارت میبردند و به آتش میسپردند.

یک بازار نو ظهور وحشت انگیز

که اگر عذاب سگی در مسجدی امثال "قاضی شرف الدین دامغانی" را به جوش و دردمیاورد، در این زمانه در ظل "توجهات اما م روح الله خمینی" و در قلمرو "نخستین حکومت الله در کره ای رض" یعنی حکومتی که پیغمبر خدا از تاء سیس آن عاجز ماند و قرعه ی فال بنا ما م خمینی زده شد - مساجد خود را به بازارهای سیاه و سلاخ خانه ها و شکنجه گاهها و مراکز - دادوستد از زوایایون و هروشین و بیسه "دارالحکومه ای اولیاء دین" تبدیل کرده اند. برآستی آیا خواهی شیراز و مولانا

دوست مطلعی که بتا زگی از راه رسیده است از این وقایع نوبه نوحا کلمات فراوانی دارد و مثلاً "حکایتی که خود او بر آن "یک بازار نو ظهور" عنوان داده است. میگوید، این روزها موء سسات پزشکی قانونی در سراسر کشور، هر کجا مبه با زار پر رونق خرید و فروش دست و پا و انگشت و استخوان شهدا و در عین حال به صحنه ای از جدا لهای خونین تبدیل شده اند. ریشه ی ما جرا آنجا است که بموجب مقررات دولت اسلامی و حکم فقا هتی بنیاد دهشید، خانواده ها ی از "فضیلت شهادت" و



عبید را با تمام آن نبوغ و سحر کلام و وسعت و عمق اندیشه، اگر فرصت با زگشتی بود، بخصوص آنجا که تا چارمی بایدتا معیار رقضا و خود را با روح زمان جور کنند، این توانائی هم بود که ایسن انبوه و انواع رذالت ها را در قالب سخن بریزند و بیا دکان ریگذارند؟ تردید غلبه میکند. چرا که رژیم آیت الله اما م خمینی در قلمروی زشتی ها و خیانت ها نه فقط رکورد شکن، نه فقط بی همتا و بیگانه است که به تمام معنا نوآواست. داستانهایی و دوتا و ده تا و صد تا نیست، به هر گوشه ای از این "معرکه ی خون و جنون" که نگاه میکنی با هزاران قماش از فرومایگی و نا جوانمردی و ددمنشی و هر کد ام در نوع خود بی سابقه و بیرو خواهی بود. ما جرای سفیرانی که در خط ماء موریت "مدور انقلاب اسلامی" از سرت یک بارانی و یا حتی یک جوراب وزیر بیرونی چشم نمی پوشند تا قصه آن فرستاده ی ویژه ی حوزه ای اما مت که با انبانی مملو از تریاک زعفرانی بدام می افتد و به پای در میانی و گروگسذاری سفارت الله، از بند کفرها میشود، حالا دیگر از نقل های کهنه و پیش پا افتاده است، چرا که در پرتو رشا دولایت فقیه، روز بروز حوادث تازه ای رخ میدهند و شگفتی های گذشته را واپس میزنند و در عوض نمونه های بدیعی از رذالت و نا جوانمردی را بمعرض نمایش میگذارند.

اتفاقی می افتد که در جمع "متقاضیان" درباری تماحب یک دست و یا یک پا و یا سری که بکلی سوخته و متلاشی شده است اختلاف در میگیرد و گاه مشاجرات لفظی تا زد و خورد های خونبار پیش میرود. و اما مایه ی نان دانی و تجارت "علما" کجا است؟

آن جا است که افرادی موفق میشوند به یکی از مراجع "روحانی" و بسا حتی پیشما زها و آخوندهای ذی نفوذ و صاحب نام پلی ببندند و با پرداخت رشوه ای از وی امضاء "شنا سائی" بگیرند. غالباً این "سفا رشنا مه ها" خطاب به پزشکی قانونی و متضمن چنین عباراتی است: "حامل این نام را حقیقی می شناسد، از مردان خدا و معتقد به ولایت فقیه و از عاشقان حضرت اما م امت است لطفاً" مقرر فرمائید که به تقاضای ایشان ترتیب اثر داده شود.

همین برای ماء مور بنیاد شهید کا فیا ست تا احراز مالکیت بر شهید را تمام و راه استفاده از حق الشهادت را هموار کند. حالا بگوئید، آیا برای یک آدمی - زاده بهنجار، هر انداز به مستعد و ما - برادر افسانه پردازی و تخیل، هیچ قابل تصور هست تا قصه ای بی با فدا که در گوشه ای از این دنیا با زاری در غایت گرمی و رونق آنهم بنا مذهب و خدا و پیغمبر و احکام آسمانی برپا ست که تنها متاع آن اعضاء و جوارح آدمی است؟ - و نیز قضاوت کنید که اگر خواهی حافظ و عبید سر از لحد صدها ساله بر میآوردند و این بساط ننگین و چرکین را بچشم میدیدند آیا صدمه نثار مبارزالدین محمد ها نمی کردند؟ و از درد و ستوه خود پوزش نمیخواستند؟

نقل سعدی است که: ناخوش آوازی ببانگ بلند قرآن همی خواند، ما حبدلی برا و بگذشت گفت تورا مشا هره (شهریه و مزد) چندان است؟ گفت: هیچ. گفت: پس زحمت خود چندین چاره ای؟ گفت: از بهر خدا میخوانم. گفت: از بهر خدا بخوان: کرت و قرآن برین لطف خوانی ببری رونق مسلمانی سعدی هم کجا ست تا آن قاری مغلوک را فرا موش کند و ببیند بر سر ایمن او به نکبت حضور نخستین حکومت الله در کره ای ارض و دربار زار نو ظهور ولایت فقیه چه آورده اند؟

سهند

بیرامون ملت و مسئله ملی - مصدق و اندیشه ملی از جمشید پارسا - سرزمین کوران ازجی. ا. ج. ولتر، ترجمه شیرین خسته - زبان ویژه چاپ از نویسان - سرنوشت ایران چه خواهد بود از حامد کسروی. قیام ایران مزید توفیق گردانندگان و نویسندگان این مجله از شمتند آرزومند است.

شماره ۸ فصلنامه تحقیقات سیاسی و فرهنگی سهند منتشر شد. از آنجا که در آخرین لحظات بسته شدن صفحات قیام ایران، بدست ما رسید در این شماره به نقل فهرست مندرجات آن اکتفا می کنیم و برررسی کا ملت را به بعد موکول مینمایم. مندرجات شماره ۸ سهند بشرح زیر است: - وفاق ملی، از محمد ارس - انسان و اخلاق از دکتر محمود هومن - فرومایگان از زینجه - نقد ما رکسیسم از حسین ملک -

خلیج فارس دور از آرامش و امنیت

بقیه از صفحه ۱

رئیس جمهوری را از دخالت نظامی در خلیج فارس برحذر داشت و تلویحا " به وی گوشزد کرد که اگر کاخ سفید از این تصمیم با زنگردد، کنگره به " قانون جنگی " مصوب سال ۱۹۶۴ استناد خواهد کرد که برطبق آن، رئیس جمهوری ناچار خواهد شد به مدت ۶۰ روز تصمیم متخذه را به تاء خیر بیا نداد.

عصر همان روز سخنگوی کاخ سفید " قانون جنگی " را ناظر بر موقعیست کنونی خلیج فارس ندانست و توضیح داد: " آن قانون، ویژه شرایط جنگ ویتنام تصویب شده بود، و کاربرد آن امروز نادر است.

سام نون، سنا تورد مکررات و رئیس کمیسیون نیروهای مسلح سنا، طی گزارشی که به کنگره تسلیم کرده است، خاطر درگیری با ایران را برای اثبات تصمیم ما جرایم و نه رئیس جمهوری، محتمل می شمارد. سنا تورد سنا، در همین گزارش میگوید: " به عقیده من تا زمانی که عراق جنگ نفتکش ها را متوقف نکند، دخالت نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس به منزله نقض بیطرفی اعلام شده در جنگ خلیج است.

خبرهایی که از واشنگتن می رسد حاکی از آنست که اقدامات حقوقی ثبت یازده نفتکش کویتی در آمریکا به پایان خود نزدیک شده است و انتخاب روز پانزدهم ژوئیه، برای اسکورت جنگی این نفتکش ها از آنست که در آن روز هیچگونه مشکل حقوقی و بین المللی وجود نخواهد داشت.

چهره مخدوش خمینی

کا سپا روایت برگرد، وزیر دفاع آمریکا، برخلاف کنگره برای این عقیده است که آمریکا برای حفظ آزادی عبور و مرور کشتی ها در خلیج فارس با تدبیر از این از خود ما به بگذارد، زیرا " منافع دوستان آمریکا و موقعیت ایالات متحده ایجاب می کند که نیروی دریایی ما، به سزای محفوظ ماندن ارزش های بین المللی قدم به میدان بگذارد.

وزیر دفاع آمریکا می افزاید: " اگر آمریکا به انجام این وظایف بر نیاید، کویت از شوری کمک خواهد خواست. " این اتفاق هم اکنون نیز روی داده است زیرا کویت از شوریها درخواست کمک کرده است و شوریها سه کشتی نفتکش خود را در اختیار کویت گذاشته اند.

و این برگرمی گوید: " حضور روزافزون شوری در منطقه، چهره آمریکا را برای دوستان عرب مخدوش کرده و موجب عصبانیت آنها می شود.

" ایران گیت " و فروش اسلحه به جمهوری اسلامی، مقامات آمریکا را در مشغول وجهه سیاسی ایالات متحده در نزد عراب کرده است. بی گمان، دولت های معتدل

اقدامات مربوط به برقراری صلح را تاء بیدویاری خواهد کرد.

یک هیئت دوازده نفره مرکب از نمایندگان کنگره در کمیسیون نیروهای مسلح روز پنجشنبه دوم ژوئیه به کشورهای منطقه خلیج فارس سفر کرده اند تا از نزدیک اطلاعات لازم را در باره سیاست آمریکا در این منطقه جمع آوری کنند.

این اقدامات نمایندگان کنگره، نشان از عزم را سخنان در جلوگیری از اقدامات ریگان در خلیج فارس دارد، که اجرای این تصمیمات را برای صلح و روابط شرق و غرب خطرناک می دانند. اما مادر همین حال یک همه پرسی که از سوی روزنامه ها و شگفتی پست صورت پذیرفته است، فاش می کند که افکار عمومی آمریکا اقدام ریگان را در محال می بیند. نفتکش های کویتی تاء شیدی می کند. بنابر این همه پرسی، ۷۹٪ آمریکا ثیبان، حضور نظامی آمریکا را در خلیج فارس برای تاء مین جریان آزاد نفت ضروری و ۶۷ درصد آنان، این حضور را برای مقابله با نفوذ شوری در منطقه لازم میدانند.

رفسنجانی: مشتاق جنگ با آمریکا

جمهوری اسلامی از همان روزهای مؤثر نسبت به اعلام تصمیم کاخ سفید مبنی بر دخالت نظامی برای محافظت نفتکش های کویتی، عکس العمل شدید نشان داده است. حجت الاسلام رفسنجانی اقدام آمریکا را، یک عمل جنگی علیه ایران خواند و گفت: " ما در مقابل بله با آمریکا هراسی نمانیم. ما از این جنگ استقبال می کنیم. " جانشین فرمانده نیروی دریایی پاسداران اعلام کرد که با استقرار موشک های زمین به دریا و " تجهیزات بسیار کما رساز و مؤثر " عربستان سعودی، کویت و دیگر کشورهای خلیج فارس در تیررس ما هستند. اگر آمریکا علیه نیروهای ما اقدام می کند، پاسخ خود را در دریا و خشکی و هر جای دنیا دریا فت خواهد کرد.

سخنگوی سپاه پاسداران اعلام کرد که نیروهای جمهوری اسلامی به موشک های زمین به دریا و ناوچه های موشک انداز مجهز اند و تا بیرون برای خنثی کردن ویا به حداقل رساندن میزان آسیب پذیری یا یگا های موشکی ایران در خلیج فارس بر اثر حملات احتمالی آمریکا، پیش بینی شده است.

مقامات مسئول آمریکا از چند روز پیش خبر از استقرار یگا های موشکی ایران در منطقه آبراه هرمز داده اند و روز دوم ژوئیه، تلویزیون ان.بی.سی. آمریکا به روایت یک مقام مسئول آمریکا فاش کرد که جمهوری اسلامی به تا زگی دوبیگا به پرتاب موشک در منطقه تنگه هرمز برپا کرده است. همین مقام آمریکا بی اظهار عقیده می کند که ایران طی یک یا دو روز میتواند به شمار یگا های موشک انداز بیفزاید. به این ترتیب بنظر می رسد که جمهوری اسلامی همزمان با تهدیدهای شدید، دست به عمل نیز زده است.

حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهوری ایران، حضور نظامی آمریکا را تضمین کننده امنیت در خلیج فارس نمی داند، بلکه برعکس عقیده دارد که امنیت این منطقه با ید به وسیله کشورهای منطقه تاء مین شود و پیدا است تا زمانی که رژیم عراق به کشتی های ایران در دریا و به شهرها و تاء سیاست اقتصادی، در خشکی حمله می کند. از آرایش و امنیت خبری نخواهد بود. خلیج فارس یا برای همه امن است و یا برای هیچکس.

رئیس جمهوری ایران عقیده دارد که: " هیچ رزمنا و یا کشتی در خلیج فارس یا هر پرچی که برافراشته اند در آن نخواهند بود مگر آنکه بر ما ثابت شود که به کمک دشمن ما در حرکت نیستند. "

ایران برای اثبات این گفته، چند روز پیش با قایق های توپدار به سه کشتی حمله کرد که یکی از آن کشتی ها متعلق به کویت است. دشمنی ایران با کویت از آنست که این امیرنشین در جنگ میان ایران و عراق جانب عراق را گرفته است و به آن کمک می کند.

میرحسین موسوی نخست وزیر ایران، گفته است: ایران هیچ طرحی را که به سبب ابرقدرتها اجازت دهد در پوشش سازمان ملل متحد وارد منطقه شده و آنجا عمل کنند، قبول ندارد. نخست وزیر ایران افزود: " تنها راه حل، ایجا دفن بر عراق است تا از حمله علیه کشتی های ایران دست بردارد. "

همراه با این سخنان تهدید آمیز یک مقام مسئول آمریکا فاش کرده است که ایران در آبهای نزدیک کویت ۱۲ مین کار گذاشته است. پنتاگون نیز قبول دارد که تعبیه این مین ها از سوی نیروهای ایران صورت پذیرفته است.

دومرد بالحنی کمابیش ملایم

در چنین فضای پرتنش و بحرانی، ریچاردر مورفی لحن ملایمتری به کار می گیرد و میگوید: " آمریکا، انقلاب اسلامی ایران را برسمیت می شناسد. ایران در مقابل با پذیرش کند که آمریکا موظف به حفظ منافع دوستان در خلیج فارس و منطقه است. ما رزمنا و هایمان را به خلیج فارس گسیل نمی کنیم که زکشتی های حامل اسلحه برای عراق حفاظت کنیم. ما فقط می خواهیم جریان نفت در خلیج فارس مختل نشود و این آبراه بین المللی از امنیت برخوردار باشد. "

در برابر این لحن ملایمتر، جواد دلاریجانی، معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در ژنونی به لحنی کما بیش ملایم توضیح میدهد:

" ایران اخیرا " بخاطر استقرار صلح و امنیت در خلیج فارس به مسئولان چند کشور از جمله آلمان غربی، ایتالیا و بلژیک، راه حل های عملی و ملموسی را ارائه کرده است. امنیت در خلیج فارس تقسیمنا پذیر است و حضور نیروهای نظامی ابرقدرتها در خلیج فارس ضرورتی

بقیه از صفحه ۱

اول بحران اقتصادی
دوم جنگ
سوم بحران جانشینی

در هر سه مورد "گونتزلرش" تحلیل خوبی ارائه می دهد و نتیجه میگیرد خمینی در تله بی افتاده که خودش کا رگذاشته است. آیت الله خمینی تصور میکرد عوام مل کافی برای پیروزی در جنگ و ساقط کردن رژیم عراق تحت اختیار دارد. از لحاظ اقتصادی، گمان میبرد هزینه های جنگ را هر چه باشد و تا هر زمان که لازم باشد در خواهد بود از محل درآمد مدارس و رفعت تاء مین کند. از لحاظ نظامی پشتش به ارتش نیرومندی که بروایتی پنجمین ارتش غیرا تمسی جهان بشمار می آمد گرم بود. از لحاظ نیروی انسانی هم غمی نداشت زیرا به طوری که خودش گفته بود ایران اگر بیست میلیون تلفات میداد با زیست و چنسد میلیون نفوس برایش باقی میماند. به علاوه آیت الله روری "ستون پنجم خود" در عراق حساب می کرد و می پنداشت بمحض آنکه جمهوری اسلامی بتواند چندین ضربه سنگین در جبهه جنگ بر عراق وارد کند آوندها و عوام مل فرصت طلب در عراق هم با همان شیوه هایی که در ایران تجربه شده بود خواهندتوانست تشنج بیافزینند و ثبات سیاسی خود را بخطر نندازند. بهمین دلایل، و در رور و یای تاء سین یک امیرا توری مذهبی، آیت الله خمینی - همان طور که گونتزلرش هم اشاره کرده است - فرصت های بسیار خوبی را که برای پایان دادن به جنگ پیش آمده بود نادیده گرفت و برادامه جنگ پافشاری. محاسبات آیت الله درست از آب در نیامد. از زمانی که جمهوری اسلامی کوشید جنگ را به داخل خاک عراق بکشد و صورت معادله تغییر کرد، در نتیجه، اکنون که نزدیک به هفت سال از شروع جنگ میگذرد رژیم آیت الله همان فشارهایی را تحمل میکند که انتظار داشت در صورت اطلسه جنگ بر رژیم عراق تحمیل کند و آن را از پای در آورد.

اهام احمد خمینی

اهم این مشکلات، که بر شاه رژیم آیت الله فشا رمی آورد، وضع مالی و اقتصادی است. گونتزلرش مینویسد: "در گزارشی رسمی ا تا ق با زرگان آلمان و خاور میانه تصریح شده است که آشتگی اقتصادی در ایران هر روز افزایش پیدا میکند و رژیم آیت الله خمینی به هیچ کیفیت قادر نیست این بحران را مهار کند. اما در مه جنگ، آسیب دیدن تاء سیاست نفتی، کاهش درآمد نفت، تعطیل کارخانجات، بیکاری روزافزون و در نهایت امر تورم با ورنکردنی، اقتصاد ایران را به مرحله انفجار رسانیده است و دولت آلمان با پدیدروابط با زرگان خود با جمهوری اسلامی دقت بیشتری بخرج دهد..."

مفسر آلمانی میپرسد:

"چه کسی تصور میکرد که کشوری مانند ایران با چاهای نفتی به روزی بیفتد که بانک های بین المللی حاضر به وام دادن به آن نباشند. و بالاخره این کشور میخواست هدیه کجا برود؟" این سؤال، در ایران امروزه ختقاق و استبداد محض بر آن حکومت میکنند، البته قابل طرح نیست ولی ایرانی ها از کوچک و بزرگ، حتی آنها که در داخل دایره قدرت قرار دارند، نمیتوانند از چنین سؤالی غافل بمانند حال آن که در مرکز دایره قدرت، فعلا "جنگ دیگری با شدت هر چه تمام تر بر سر میراث خمینی درگیر است.

مفسر فرا تکفورترا لگما یینه همانطور که اشاره کردیم به مناسبتی در داخل رژیم دسترسی دارد و از همین روز نخستین مفسران خارجی است که از توطئه های که در پس پرده برای ایجاد حکومت موروثی جریان دارد خبر میدهد.

راه برداشته نشود، پس از مرگ خمینی نه رفسنجانی و نه سید احمد خمینی هیچکدام ماندنی نخواهند بود. توطئه حذف منتظری را در خفا شخص خمینی اداره میکنند ولی منتظری هم بیکسار ننشسته است و بنوبه خود مشغول با رگیری و چیدن مهره ها است.

برگ برنده ایی که منتظری در دست دارد راء ای مجلس خبرگان و عنوان رسمی قاضی مقام و جانشین رهبر است. در عوض، رفسنجانی و احمد خمینی، مجلس و دولت و قوای اجرائی را در اختیار دارند. از طرفی منتظری میداند که جا مع روحانیت، یعنی تنها نیرویی که هنوز در محنت سیاست حضور دارد و بوقت لزوم میتواند نقشی ایفاء کند، نسبت به احمد خمینی و هاشمی رفسنجانی نظر خوشی ندارد و به آسانی زیر بار حکومت آنها نمی رود. بهمین سبب در هفته های اخیر، منتظری کوشیده است روابط خود را با آخوندهای متنفذ قم و تهران و ائمه جمعه و جماعت در شهرستان های مختلف - که طرفداران فقه سنتی را تشکیل میدهند - محکم تر کند. گروه مقابل نیز، با سبازی جدید یعنی تسخیر و تبدیل گسترده فرمانداران، انحلال حزب جمهوری اسلامی و بالاخره ایجاد دادگاه مخصوص روحانیت - و پایگاه های بی را از دست "طرفداران فقه سنتی" گرفته و روی حوزه قدرت منتظری و همدستانش دست انداخته است.

بهر حال، برای اینکه زجاج آقا احمد خمینی اما متا زهای بسا زندگی و اخلاق در دودمان آیت الله خمینی باقی بماند، یا با منتظری استعفاء کند، یا او را به "بیش از هفتاد و دو تن شهید" حزب جمهوری اسلامی ملحق سازند و یا آنقدر بال و پرش را بچینند که در زمان موعود، مانند ابوالحسن بنی صدر، بتوانند با یک لگدا زدا بره بیرونش اندازند.

"لرش" مینویسد:

"دیپلمات های غربی در تهران، رویدادهای را پیش بینی میکنند که احتمال دارد به پاشیدن رژیم بینجنا مد. جناح های طالب قدرت که مرگ خمینی را نزدیک می بینند از هم اکنون در برابر هم صف آرای کرده اند. سید علی خامنه ای و هاشمی رفسنجانی - رئیس جمهوری و رئیس مجلس خمینی - به یکدیگر جنگ و دندان نشان می دهند و درین میان آیت الله خمینی تلاش میکند قبل از مرگ، قدرت را بطور کامل به فرزندش احمد خمینی منتقل سازد، اما چه طور و از چه طریق، سؤالی است که پاسخ آن احتیاج به زمان بیشتری دارد..."

مفسر آلمانی بیش ازین اطلاعی در باره "جنگ جانشینی" نمیدهد در حالی که ابعاد این جنگ هر روز در جمهوری اسلامی وسعت میگیرد و پنهان داشتند دیگر مقرر نیست.

نکته همان است که "گونتزلرش" اشاره میکند، آیت الله خمینی میکوشد قبل از مرگ، مسأله جانشینی را برفع پسرش تمام کند و حال آنکه آیت الله منتظری حاضر نیست درین مرحله تسلیم شود و از مقام ولایت عهدی "دست بکشد، بنا بر این، در جنگ قدرت اکنون اختلافات و کشمکش های دیرینه رفسنجانی و خامنه ای مسأله اصلی محسوب نمیشود، بلکه خمینی میکوشد این دورا برضد منتظری در کناره قرار دهد.

دوره ریاست جمهوری خامنه ای بسزوی پایان می پذیرد و رقابتی که بین او و رفسنجانی وجود داشته است موضوعا "منتفی خواهد بود. رقیب اصلی رفسنجانی در حال حاضر، آیت الله منتظری است که همه میدانند هرگاه قبل از مرگ خمینی از سر

Samstag, 18. Juli 1987
Um 1600 Uhr
Alter Teichweg 200
2000 HAMBURG 70
Haltestelle U1 Alter Teichweg
دکتر عبا سقلی بختیار

۳ - کلن یکشنبه ۱۹ ژوئیه ساعت ۱۵ (سه بعد از ظهر) در محل:
Sonntag, 19. Juli 1987
Um 15.00 Uhr
E S G
Bachemer Str. 27
5000 KOLN 41
دکتر منوچهر رزم آرا



هم میهنان عزیز! هر روز تلخ خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.

۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ پاریس

سخنرانی را با اطلاع هموطنان رساننده است. متن اطلاعیه بشرح زیر میباید: با اطلاع میرساند که نهضت مقاومت ملی ایران شاخه آلمان غربی در نظر دارد در ماه ژوئیه ۱۹۸۷ در شهرهای مونیخ - هامبورگ و کلن، جلسات سخنرانی با شرکت آقا یان دکتر عبدالرحمن برومند - دکتر عبا سقلی بختیار و دکتر منوچهر رزم آرا برگزار نماید.

تاریخ و محل جلسات به شرح زیر است:
۱ - مونیخ جمعه هفدهم ژوئیه ۱۹۸۷ ساعت ۱۸ و سه دقیقه بعد از ظهر در محل:

Freitag, 17. Juli 1987
Um 18.30 Uhr
B U R G E R S A A L
Rosenheimer Str. 123
8000 MUNCHEN 80

دکتر عبدالرحمن برومند

۲ - هامبورگ شنبه هجدهم ژوئیه ۱۹۸۷ ساعت ۱۶ در محل:

تظاهرات در برلین غربی

هلیوم پر شده و بر روی آن شعارهای سیاسی نهضت مقاومت ملی ایران از جمله: آزادی و صلح برای ایران - استقلال و آزادی ایران با دکتور بختیار - به قضا شهر فرستاده شد. ضمنا "از سوی شرکت کنندگان در تظاهرات ترجمه اظهارات اخیر رهبر نهضت مقاومت ملی ایران در باره جنگ و همچنین متن آلمانی نامه دکتر بختیار به رئیس جمهور آمریکا توزیع گردید.

جلسات سخنرانی

نهضت مقاومت ملی ایران، واحد آلمان غربی طی اطلاعیه ای، تشکیل چند جلسه

اخبار نهضت

مقارن سفر اخیر رئیس جمهوری آمریکا به برلین غربی، تظاهراتی از سوی اعضاء و هواداران نهضت مقاومت ملی ایران، واحد شهری برلین غربی برگزار گردید. این تظاهرات در یکی از میدانهای مرکزی شهر از ساعت ۱۱ تا ۱۳/۳۰ روز جمعه ۱۲ ژوئن برپا شد. شعارهای تظاهرات عبارت بود از:
صدور اسلحه به ایران و عراق را محکوم می کنیم - جنگ بس است - ملت ایران در خاک و خون دست و پا میزند - معا مله و مماشات با رژیم تروریسم پرور خمینی موجب گسترش تروریسم است - زن ایرانی در بند ظلم و ستم است.
در این تظاهرات بالنها که با گاز

بقیه از صفحه ۱

داشته با شدیا به عکس، در آمد ما در آن سی اندک و جمعیت بسیار، فقط اقلام و ارداتی و در نتیجه لگوی مصرف آنها با یکدیگر فرق دارد، وگرنه، به عنوان مثال، و نژوئال که از ما در آن نفت خود در آمد کلانی بدست می آورد، از حیث ساخت اقتصاد - اجتماعی با مکزیک تفاوت چندانی ندارد که از ما در آن زغال سنگ خود در آمد مهمی کسب نمی کند، وجه مشترک همه این کشورها این است که دریا فته اند بدون بیرون آمدن از دریا به بسته اقتصاد تک محصولی نخواهند توانست اقتصاد ملی در خور توجهی بنساز کنند که در برابر برنوسان قیمت دریا زارهای بین المللی آسیب پذیری کمتری داشته باشد، ایران در دوران گذشته که به رشد و توسعه اقتصاد توجه بسیار داشت، همان گونه در صد گوناگون کردن منابع درآمد غیر نفتی خود بود که ایران در زمان جمهوری اسلامی که فقط بر حسب اجبار شرایط ناگزیر شده است به اقتصاد توجهی کند.

اقتصاد مبتنی بر صدور عبا

آیت الله خمینی هم سرانجام در یافت که برای تهیه یونجه لاغها نیز باید چرخهای اقتصاد یک کشور، متناسب با نیازهای روز، بچرخد. صادرات غیر نفتی اگرچه چند سال است که بر سر زبان گدا شدگان رژیم تهرانی افتاده است و حتی برخی از خوشبایوران و سادها ندیشان هفته های نخست انقلاب، سخن اقتصاد بدون نفت را دوباره پیش کشیدند، اما چنین می نماید که فقط به تا زگی دریا فته اند ما در آن کالاهای که دریا زارهای بین المللی رقیبان نیرومندی دارند، یک چیز است و صادرات نفت که دنیا همیشه بدان نیازمند است و ما تولید آن جز در اختیار چند کشور انگشت شمار نیست، چیزی دیگر، به قول یک کارمند بلندپایه جمهوری

و خشکی را، دو قلم در خور توجه ما در آن سی، اگرچه کالاهای صنعتی به معنای خاص کلام نبودند، اما محصول نفتی هم نبودند.

ولی این جمهوری اسلامی بود که اقتصاد کشور را بیشتر از همیشه به صادرات نفت متکی کرد. اما دهه جنگ، عمده ترین هدف جمهوری اسلامی، و تهیه خوراک در حداقلی که کمتر از آن ممکن نیست، بدون صادرات نفت امکان پذیر نیست. ما در آن نفت یک روی سکه ای است که روی دیگر آن واردات جنگ افزار و کالاهای مصرفی است که حداقل معیشت را با ایدتاء میسر کند.

ضرورت رها شدن اقتصاد تک محصولی چنان فشاری بردستگاه حکومتی آورده است که حجت الاسلام صادق خلخالی نیز از آن سخن می گوید. اگر در آن مدت دچار این نوسان و ناامنی نمی شد، رژیم تهران اصلاً به فکر این نمی افتاد که دست کم نگاه جدی تر بدان بیفکند. شیخ صادق خلخالی در گفتگویی می گوید: یک راه دور شدن از صادرات نفتی توجه به صادرات فرش است. فرش ایران در تمام دنیا مشتری دارد و غیر قابل رقابت است. حجت الاسلام به کالاهای چون خرما و خشکیار و صنایع دستی نیز در ارتباط با صادرات اشاره ای کرده است.

اگر زرو زرویی کارآمد مدن جمهوری اسلامی تاکنون، صادرات، جز پسرقت، حرکتی نکرده است، دست کم به این دستاورد مثبت رژیم باید توجه کرد که حجت الاسلامها نیز سرانجام چیزی از اقتصاد ده میانه اند، زیرا همین حجت الاسلام صادق خلخالی بوده که در سال ۱۳۵۹، در خاطرات خود نوشت: "حیف که توجه مردم به بافتن قالی است. ولی ما در آن عبا خیلی کم است. در این زمینه هیچگونه فعالیت اقتصادی دریا زارهای بین المللی از طرف دولت وجود ندارد. زمینها فروش عبا در اروپا مخصوصاً شوروی زیاد است. من خودم سی سال قبل که در اردبیل بودم، با چشم خود دیدم رئیس قشون روس روی اسب سوار بود و عبا می پوشید. دوش داشت، اما فربه آن است. دستگیرها و قضا دادا دگستری اروپا در مجالس رسمی عبا به دوش می کنند. اگر به صادرات عبا توجه شود یکی از آثار ملی ما محفوظ بوده استفاده کلانسی عاید مملکت می شود."

به حجت الاسلام خلخالی گوشزد باید کرد که برای ترویج نوع خاصی از پوشاک معمولاً "کسانی که ما نکن" خوانده می شوند، در برابر برینندگان در سالنهای ظاهری شوند و لباس مربوطه را بپوشند. شیوه خاصی به تماشا می گذارند، حاکم شرع ما اگر صادرات عبا را جدی می گیرد، باید این قسمت قضیه نیز فکری کند. و انگهی آنچه استادان و قضات در مراسم خاص به تن می کنند، عبا نیست، شل است و ربسطلی هم به تلاش ما در آن دولتی اسلامی ندارد.



سرخورده مجاهدین می گوید: هر دو گروه معتقدند که هر چه بیشتر شهید بدهند، آرمان شان حقانی تر است. "مجاهد سرخورده، این اعتقاد را بخشی از جنون مذهبی بی می خواند که وی همانند بسیاری از دیگر مخالفان آیت الله ها، عمق آن را در نیافت، رجوی و خمینی موفق شده اند دست در دست هم، بخشی از بهترین های یک نسل را در بیکار نگاه دارند، بسرچوبه های دارنایا بود سازند، دو صدها خانواده را به جان هم انداخته اند. چه بسا ریبیش آمده است که یک برادر مجاهدین پیوسته است و دیگری به ساداران انقلاب، سادایا ضراب انگیزتر از همه این ها، این باشد که رجوی خود را هر چه آشکارتر چون تنها جایگزینی خمینی می خواند. اگر در کورآرام بخش "اورسورا واز"، آن جا که ارزش های دموکراتیک غربی حقا "ستوده می شود مجاهدین، پرستش شخصیت را به رغم حضور آشکارش، نزد دیگران، کم رنگ جلوه می دهند، اما در میان خودشان، چنین محدودیتی به چشم نمی خورد.

هیچ چیز بیش از به اصطلاح "انقلاب ایدئولوژیکی" که رجوی آن را در سال ۱۹۸۵ افتتاح کرد، ماهیت مجاهدین را فاش نکرد و هیچ چیز بیش از آن، به طریقی پایدار، به آنان زیان نرساند و آن، زمانی بود که وی همسر یکی از دستیارانش را به همدیگی و سپس به همسری برگزید. تمام می سرکردگان مجاهدین رسماً ناگزیر شدند از "گام تاریخی" را تا بید کنند و آن را چون یک جهش کیفی که از همه حماسه هادر تاریخ سجاهدین، فراتر می رود بنسازند. شوهربخت برگشته (ابریتم جسی)، بزرگوارانه و آقا منشا نه، خدای را سیاسی گذارد که این بخت را به او داد که در این تصمیم زیبای ایدئولوژیکی سهمی بر عهده گیرد. یک روزنامه نگار در روزنامه مجاهد نوشت که این همان عشقی است که اصحاب حضرت محمد در او به معانیته دیدند و رجوی را به "رسول الله" تشبیه کرد. یک دموکرات غیر مذهبی می گوید: در

رسول الله دیگری

برای ملت ایران!

بقیه از صفحه ۱

به ویژه در مغرب زمین، صرفاً روابط عمومی می کنند. از این راه، بیشتر اروپا ثیان و آمریکا ثیان را تحت تاثیر قرار می دهند تا جامعه ایرانی را که در حقیقت، مخاطب اصلی است. عبدالرحمن قاسمی، رهبر حزب دموکرات کردستان می گوید: "مجاهدین در کردستان، و حتی در مرزهای پایگاه ندارند. با یگانه آن ها در پنجاه کیلومتری بغداد است. آن ها عملیات ما را به نام خود جا می زنند." جامعه دیپلماتیک در تهران نیز اظهار می دارد که "مجاهدین، فعالیت های مقامی به اصطلاح سراسری خود را بنا بر بنیاد غلو و مبالغه گزارش می کنند." به نظر نمی رسد کسی دعاوی روزافزون مجاهدین را چندان جدی انگارد. یکی از فعالان حقوق بشر می گوید دعوی مجاهدین مبتنی بر این که ۷۰ هزار "شهید" داده اند، مبالغه بی عظیم است. وی فداکاری رزمندگان مجاهد را زیر سؤال نمی برد، اما ما نندبسیاری دیگر، فداکاری آنان را تعصب کور - دلانه می می خوانند که یا در وقت شریعت پیروان کور آیت الله خمینی است. در حقیقت، مجاهدین و خمینی گرایان، در معنا به چشم همه کس جز خودشان، شاخه های متفاوت درخت اجتماع و فرهنگی واحد هستند، گرچه یکی به ظاهر "مترقی" است و دیگری با لذات کهنه گسرا. در زمینه عمل، هیچکس به خمینی آن قدر شبا هت ندارد که بی رحم ترین مخالفش، رجوی. پر شورترین هواداران این دو تن، اساساً از طبقه متوسط اخیراً شهر نشین شده بی برخاسته اند که تحت تاثیر تربیت غربی قرار گرفته اند. اما هنوز در سنت های مذهبی ریشه دارند. یک هوادار

زمان شاه، شاعر خدا، شاه، میهن، رایج بود، اکنون شاعر خدا، خمینی، ایران. اما شاعر مجاهدین، این است: ایران، رجوی... رجوی، ایران، ما زندگی خود را وقف بیکار با چنین شعرا را بی کرده ایم. من در رجوی عنصری از دموکراسی نمی بینم، مهم نیست هوا داران نش به آنچه می گویند. رجوی می خواهد ولایت فقیه توبیتی بنیاد کند، نظمی که خمینی، بدان، خود را به عنوان ترجمان عالی مشیت الهی توجیه می کند.

مجاهدین، در نشریه های شان، منظم "به دیگر نیروهای اپوزیسیون، دشنام می دهند و به اصطلاح شورای ملی مقاومت، که همه شخصیت ها و ساداران های که وزنی از استقلال داشتند، آن را رها کرده اند، اکنون چیزی بیش از فاساد و خیال نیست. رجوی از طریق این شورای ملی هم گسسته، می کوشد تا هر حمایت وسیع ملی از مجاهدین را در افکار بین المللی حفظ کند.

منتقدان مجاهدین می گویند آن ها هر چه بیشتر به یک فرقه بسته، یک بعدی تنگ نظر تبدیل می شوند که سرپا برده رهبری هستند که زفداکاری آنان به منظور انتقام جویی شخصی از حاکمی بهره برداری می کنند که میراث وی را از وی برده است. به گفته ناقدان، رجوی گرچه در اصل از فرانسوارانده شد، بی میل به خروج از این کشور نبود، زیرا نیاز زبده داشت که جوانان از خود گذشته زمان را که بیم آن می رفت که مجذوب آزادی های غربی شوند زیر کنترل شدید خود داشته باشند. عراق، محیط مناسبی برای اعمال این کنترل بود.

جای شگفتی نیست اگر در جزوه های جدا شدگان از مجاهدین مطالبی دربار وجود مراکز آموزش می خوانیم. در این مراکز، کارهای سرکش و زبان دار، زیر فشارهای جسمی و روحی گذاشته می شوند تا با اعتراف به همه بندها و کردارهای گذشته شان و با استغفار از آن ها، بر انقلاب ایدئولوژیکی که همانا ازدواج مسعود و همسران زهراش، مریم است، صحه گذارند.

کوتاه شده از گاردین - ۲۵ ژوئن و اول ژوئیه ۱۹۸۷

فرهنگ ایران

محمد جعفر محبوب

همانندی عناصر داستان سرایی

در داستان های ایرانی و سامی

واگرچنین باشد (بنده در این مورد اطمینان ندارم) چنان گهمی دانیم در فارسی داریه معنی درخت است (هنوز درمانندران به جای کلمه درخت دار می گویند و مانند تهران در رودخت را با هم به کار می پریم) و بنا بر این " دار " و " آب " درست معادل " مو " و " سی " است .

به حال در داستان های ملی آمده است که بهمن پسر اسفندیار با همای دختر خویش بخت و همای از پدر بار گرفت . فردوسی که همواره در رعایت احترام و شئون ایرانیان کوشا بوده و گمان می برده که آنچه در منابع خویش می بیند تاریخ واقعی ایران است ؛ از این روی گوید که بهمن دختر خویش را به رسم و آیین ایرانیان به زنی خواست :

پسرند مرا ورا (= بهمن را) یکی همجو شیر
که ساسان همی خواندی اردشیر
دگر دختری داشت نامش همای
هنرمند بودا دانش و نیکی رای
همی خواندندی ورا چهار زاد
ز کیتی بدیدار او بود شاد
پدر در پذیرفتش از نیکی
بران دین که خوانی همی پهلوی
همای دل افروز تا بنده ماه
چنان بد که آستان آرزو شاه
اما برای خواننده این شبهه پیش می آید که گریه بهمن دختر خود را به " دین پهلوی " و بر طبق رسم و آیین خواسته بود ، چه لزومی داشت که همای حمل خویش را پنهان دارد ؟ باقی داستان را هم از زبان استاد دطوس بشنویید :

چوبه بهمن چنان دیدیم رشد
چو از در در شاه اندر آمد زبای
بفرمود تا پیش او و شدمای
بزرگان و نیک اختران را بخواند
بخت گرانمایگان بر نشاند
چنین گفت کاین پاک تن چهار زاد
بگیتی فراوان نبودست شاد
سیردم بدو تاج و تخت بلند
همان لشکر و گنج با ارجمند
ولی عهد من او نبود در جهان
هم آنکس کز زوایا ندر جهان

دوری گزید . شنید این سخن خیره شد
چو ساسان شنید این سخن تیره شد
ز گفتار بهمن دلش تیره شد
به دو روز و دو شب بسان پلنگ
ز ایران بمرز دگر شد زنگ
دمان سوی شهر نشاپور شد
پیر از رجا زید در دور شد
زنی را ز تخم بزرگان بخوشت
ببرورد و با جان و دل داشت راست
نژادش بگیتی کسی را نگفت
همی داشت آن راستی در نهفت
زن پاک تن خوب فرزند زاد
ز ساسان بر ما یه ، بهمن نژاد
فرزند ن ساسان همگی نام پسران خود را ساسان می
نهادند و تا چها ر پشت در نیشا بور به کار چوپانسی و
گله داری می پرداختند . فردوسی پس از شرح این ماجرا
فرماید :

کنسون با زگردم به کار همای
پس از مرگ بهمن که بگرفت جای
بیماری اندر بر مردار دیشیر
همی بودی کار تاج و سریر
همای آمد تاج بر سر نهاد
یکی راه و آیین دیگر نهاد
سپه راهم سر بر بار داد
در گنج بگشاد و دینار داد
پسرای و بداد از پدر برگزید
همی گیتی از دادش آبا دگشت
نخستین که دیهیم بر سر نهاد
چنانرا بداد دودش مژده داد
که این تاج و این تخت فرخنده باد
دل بدگلان ما کند به باد
همه نیکی بی باد کردار ما
میناد کس رنج و تیمار ما

اما با آن که در این روزگار خود بر تخت نشسته و بزرگان
نیز او را به شاه می برداشته بودند ؛
چو هنگام زادنش آمد فرار
ز شهر و ز لشکر همی داشت راز
همی تختش پای پسند آمدش
جهان داشتن سودمند آمدش
بقیه در صفحه ۷

پدرش عمران بود و نامش موسی بود زیرا که بمیان آب
و درختش یافتند . و بزبان عبری " مو " آب است و " سی " درخت . چون مادر موسی با رگرفت پدرش در گذشت ،
و مادرش پنهان می داشت تا وقت با رنهادن . حق تعالی
چنان حکم کرد که آمدن وی بوقت نماز زخفتن بود . چون
از نماز در جدا شد و مادر او را بدید دوستی وی در دلش افتاد ،
با خویشش گفت چگونه کنم و کجا برم این فرزند را و چون
دل آبد که این را پیش من هلاک کنند ؟

در این غم در خواب شد . و این پس از آن بود که موسی را
بر گرفته بود و پاک کرده و در سلای از برگ خرما نهاد .
در خواب بنمودندش که مژگن زهلاک کردن فرعون ، برو
و در آب انداز که حق تعالی نگاه دارد و بتوبت زده شد .
بدین دلیلست که وحی خواب درستست . آنگاه مادرش
خواب را چنین گفت که چنین با یکرد . و بعضی گویند
از گوشه خانه آواز آمد که چنین کن و این را بلفظ وحی
با دگر دیزیرا که با مرا بود . بهر حال که بودا ز فرمان
حق بود .

آنگاه ورا در تابوتی نهاد ز خرما ، و شیر بداد ، و آب
انداخت و آن آب یکساخت سوی ساری فرعون رفتی و به
ساری درآمدی ، و بزیر تخت فرعون بر رفتی و بیستاد
شدی ، و بحوض درآمدی ، و یکساخت دیگر سوی شهر رفتی .
و در قصه چنین آمده است که شاخ دیگر تا بوت موسی را
بر بود . جبرئیل پر بزد و بسوی شاخ برد که سر ساری
فرعون بود . گفته اند چندین بار آن آب بزرگتر
خواست که تا بوت ببرد ، لیکن حق تعالی خواست که
او را فرعون پرورد تا خلق بداند که حکم ورا هیچ کس
نخواهد بداد . و بر آن جا یگانه می گشت تا وقت
صبح آمدن ، و بساری فرعون در آمد و بزیر تخت او
بگذشت و در بیستان آمد و گرد می گشت تا روشن گشت .
و کنیزکان زن فرعون بلب حوض آمدند تا آب برداشتن
تا بوتی دیدند که بر آب می گشت . با یکدیگر گفتند این
چه شایسته بود . حیل کردند تا بوت را بگرفتند و پیش
آسیه (= زن فرعون) بردند و گفتند چنین تا بوتی
یا فتیم . آسیه گفت پیش من آرید . و تعجب کردند

کودکی دیدند در او ، نورانی و حق تعالی در آن یک
ساعت مهر او به دل آسیه در افکند . شاد گشت و گفت مرا
این فتوح افتاد دودا ده خدا یست سبحان و تعالی .
آسیه را پیوسته شاد دیدها بود . و اینجا نخست قصه آسیه یاد
کنیم :

ترا ملامت می کنند پند بودی برت
با فتیم نیکو روی مانده ملک زادگان و شوک نکتم
این مارا آفریدگار ما هدیه داده است .
فرعون گفت یا آسیه نیا بد (= مبادا) که این آن
فرزند تو دکه زبانی اسرائیل بیرون خواهد آمد
آسیه گفت فرزند منی که ما بیرون نیا ما را قوتی بود از
وی و خلقی نیا بد . فرعون رضا داد موسی را بفرزند
گرفت . و مادرش خود را به او بود . نیکوشی داشت . و
آسیه در سرخدا و ندر اعبادت می کرد .

چون موسی یکساله شد ، فرعون روزی آسیه را گفت این
پسر را چه کردی ؟ آسیه موسی را بیاورد ، بگوهرها
آراسته و لباس نیکو پوشیده . چون فرعون موسی را دید
در دلش چیزی بگشت و او را هیبتی از موسی در دل آمد
گفت یا آسیه پس موسی را بر کنار گرفت و بتواختش .
پس بیرون آمدی چه رسد موسی را بفرعون گفت این آن
دشمن منست . این را بگشتم پیش از آنکه ازین بلاسی
بمن رسد . آسیه گفت عجب می دارم از تو که زودگی
بدین خردی می اندیشی . اگر می خواهی که بدانی که
بر خلاف اینست حال او را بیا زما چیزی تا پیدا شود
ترا .
آنگاه بفرمود تا طشتی بیاورد و بر آتش ، و طشتی دیگر
پرا زغتاب ، و هر دو را پیش او بپندادند . موسی دست بختاب
در آ ز کرد تا برگردد . جبرئیل در ساعت بیا مددست او
بگرفت و سوی آتش برد . موسی پا ره آتش برگرفت و بر
زبان نهاد . زبانش بسوخت و آن عقده بر زبان او از آن
بود . فرعون او را معذور داشت .
پس از آن موسی را بنا ز می داشت و می پرورد . چنانکه
با خیار آمده است که چون موسی بزرگ شد که ز خانه
فرعون بیرون آمدی چها رسد غلام با وی بر رفتی و جا می
همه بر او ریخته بودند تا آنگاه که بگریخت ، و
آسیه عبادت همی کرد تا موسی با آ مدبر سالت بسوی
فرعون و جا دوان فرعون را قهر کرد ، و فرعون بکار وی
درماند .

باقی داستان موسی که در آ هنگ و بسای ر دل پذیراست
مربوط به بحث امروز ما نیست . خوانندگان گرامی خود
آن را در قصص الانبیا ابواسحاق نیشابوری بخوانند
و لذت ببرند .
از ایرانیان ، نوزادی را که به علتی دیگر به آب
انداختند ، و از آب نجات یافت و به صورتی که
متفاوت بزرگ شد را بفرزند بهمن است . شگفت تر آن
که در قصص الانبیا در اشتقاق و معنی موسی گفته است :
به زبان عبری " مو " آب است و " سی " درخت ، و در
اشتقاق دارا ب نیرگفته اند که مرکب است از " دار " و " آب "

هر داستان را که بنگریم ، خواه باستانی و خواه نو ، خواه
حماسی و خواه عاشقانه ، خواه ویژه کودکان و خواه خاص
کتاب خوانان و درس خوانندگان ، به هر حال از یک سلسله
حوادث ساخته شده است . این حوادث از جایی آغاز
می شوند به یکدیگر می پیوندند و در هم تاء شیری کنند و
سرانجام در جایی به پایان می رسند و این پایان گناه
غم انگیز است (ترا زدی) و گاه شادی بخش .
اگر هر داستان را به ساختن می مانند کنیم ، حوادث
گوناگون - که در اصطلاح ادب آنها را عناصر داستان
می نامند - به منزله مصالح ساختمانی ، آجر و گچ و
سنگ و چوب و آهن و سیمان یا لوازمانی آن از صنوع
لوله و سیم و شیشه و رنگ و ما ننند آن هاست .

برای نخستین بار در حدود سال های ۱۹۳۰ میلادی یک
استاد درس اهل اتحاد جماهیر شوروی در یافت که اگر چه
در ساردنیا و در نزد ملل و اقوام گوناگون هزاران هزار
داستان وجود دارد که هر یک از آن ها با دیگری متفاوت
دارد ، اما عناصر مشترک در همه این داستان ها محدود
است و تعداد آن ها از پنجاه در صدی گذرد و همان گونه که
این همه ساختن که در نقاط مختلف دنیا وجود دارند ،
هر یک به شکلی و صورتی ساخته شده اند اما تعداد مصالح
آن ها بسیار محدود است داستان ها نیز به همین منوال
به صورت های گوناگون ، اما از عناصر محدود ساخته شده اند .
از این روی گاه اتفاق می افتد که یک عنصر داستان در
بسیاری از داستان ها ، داستان های ملل و اقوام
گوناگون به کار گرفته شده است . بهتر است در این باب
مثالی بزنیم :

یکی از عناصر داستان سرایی این است که گاه هنسان و
اخترشاسان برای پادشاه وقت پیش گوئی می کنند که
در فلان سال و فلان جا کودکی به دنیا خواهد آمد که
زوال سلطنت آن پادشاه خواهد شد . آن گاه پادشاه
تمام سعی خود را برای پیش گیری از زاده شدن آن
کودک به کار می برد ، اما نمی تواند در سر نوشت را تغییر
دهد . نمونه کامل و بسیار مشهور استخفا از این عنصر ،
داستان موسی است . گاه هنان به فرعون گفتند به زودی
آن کس که حکومت تو را سرنگون خواهد کرد از زاده
خواهد شد . فرعون بفرمود تا با زسان و ناظران
گماشتند تا هر کودکی که در مرز زاده می شود در نظر
بگیرند ، اگر دختر بود کاری بدوند و شته یا شنودا گسر
پسر بود به حکومت خیر بدهند تا او را بکشند و بر هر زنی
مهر یک ده سکه نسیه بدهند ، چنانکه هر که غایب نشود
کودک " خطرناک " در پیش روی جنان که هر غایب نشود

داستان های دینی و ملی و تاریخی نیز مورد استفاده
قرار گرفته و از آن بهره بر شده است .
از میان داستان های دینی ، در سرگذشت ابراهیم و
عیسی عین همین مطلب آمده است . گام شهر نیز دستور
کشند نوزادان نرینه را مادر کرده است ، اما آنسان
هر یک به طریقی از این کشتار جان بدر برده و ماء مویت
خویش را انجام داده اند .
در داستان های ملی نیز از این عنصر در سرگذشت فریدون
استفاده شده است . شکی ضحاک خوابی هولناک می
بیند و با وحشت از خواب می بزد و آخترشاسان را فرار
می خوانند و از تعبیر خواب می بزد و آخترشاسان و
موبدان نخست از گفتن آنچه دیده و دانسته اند حذر
می کنند و سرانجام با گرفتن تاء مین از او اعلام می
دارند که بزودی کودک برهم زنده دولست وی
زاده خواهد شد . فریدون زاده شد و در جنگل گاو و پسر
مایه ورا شیر داد و پرورد و سرانجام دستگا ظلم ضحاک
به دست فریدون بر چیده شد .

برای قهرمانان واقعی تاریخی نیز از این داستانها
ساخته شده است . چنان که می دانیم در مورد کوروش
بزرگ خوابی دیده بودند که وی برهم زنده دستگا
پادشاه ماد است . شاه برای از میان بردن کوروش
اقدام کرد اما طبعی است که به نتیجه نرسید .
پس از این مقدمه نسبتاً " دراز " اکنون گوئیم گاه می
در میان داستان های ایرانی که شاخه های از اقوام هند
و اروپایی است ، می توان همانندی های با داستانهای
کهن اقوام سامی یافت . از این گونه است مشابیهت
سر نوشت جمشید و زکریای پیغمبر که هر دو با آره کشتند .
با مشابیهت داستان ابراهیم خلیل که ورا در آتش
انداختند و سیاه و ش که خود را و طلبا نه و به قصد ادای
سوگند از آتش گذشت و در هر حال آتش به هیچ یک از
آن دوزانی نرسانید .

آنچه امروز در صدیای ز نمودن آن هستیم سرگذشت موسی
است ، پس از زاده شدن ، و داستان دارا ب پسر بهمن از
دختر خویش همای ، و آنچه پس از زاده شدن پسر وی آمد .
داستان دارا ب با تفصیل بسیار در داستانها آمده است .
طا هر طرسوسی آمده است . مختصری از آن را نیز استاد
طوس فردوسی ، در شاه نامه آورده است . داستان موسی
را نیز به تفصیل با به اختصار ، در کتاب های تفسیر قرآن ،
و داستان های پیا پیا می توان یافت . در این گفتار
داستان موسی از قصص الانبیا ابواسحاق نیشابوری
نقل شده است .

بدانکه موسی از زبانی اسرائیل بود ، و اختلافت که از
فرزندانی که بود . بعضی گفته اند که ز فرزندانی که
یا مین بود ، و بعضی گفته اند ز فرزندانی که بود و



از دوشنبه یکم تیر تا دوشنبه ۱۵ تیر ۱۳۶۶

دوشنبه ۱ تیر

جمهوری اسلامی اعلام کرده نیمه شب یکشنبه مرحله دوم عملیات تصرف در منطقه کوهستانی کردستان عراق را آغاز کرد پس از نبرد سختی شهر موآت را به اشغال درآورد. در این نبرد به گفته منابع رادیوتهران چند ارتقا عراقی استراتژیکی و چندین پایگاه نظامی و قسمتی از جاده ارتباطی موآت به سلیمانیه تصرف نیروهای جمهوری اسلامی درآورد.

سه شنبه ۲ تیر

بها شمی رفسنجانی، پیش نویس قطعنامه اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد به منظور بیان دادن به جنگ جمهوری اسلامی و عراق را غیرعادلانه توصیف کرد و اعلام داشت تا جایی که خیرنصر-۴، خطری است به کسانی که پیشنهادهای نا عادلانه میکنند.

چهارشنبه ۳ تیر

میرحسین موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی گفت چون شورای امنیت در برابر آغاز کننده جنگ، تاکنون هیچ موضعی نگرفته است، حق اظهار نظر در برابر آئینده جنگ تحمیلی را ندارد و جمهوری اسلامی به تصمیمات شورای امنیت اعتنا نمیخواهد کرد.

هیئت دولت فرانسه، انجمن اسلامی "اهل البیت" وابسته به جمهوری اسلامی را به علت شرکت اعضای آن در عملیات تروریستی، منحل و غیرقانونی اعلام کرد.

جمهوری اسلامی اعلام کرد کوهها و پیمایهای عراقی دوروستانی ملاحظه شوه برای هم واقع در نزدیکی سردشت کردستان را پس از آن کردند. در نتیجه این پیمایان ها به گفته جمهوری اسلامی هشت غیرنظامی کشته و شصت نفر مجروح شدند. جمهوری اسلامی تهدید کرد چنانچه عراق به حمله های هوایی علیه مناطق غیرنظامی ادامه دهد، جمهوری اسلامی مراکز اقتصادی عراق را مورد حمله قرار خواهد داد.

جمهوری اسلامی اعلام کرده نیروهای سپاه پاسداران سحرگاه چهارشنبه عملیات نصر ۵ در جبهه شمالی آغاز کردند. به ادعای رادیوتهران، در این نبرد بیش از ۸۰۰ تن از نیروهای عراقی کشته یا زخمی شدند و ۲۰۰ کیلومتر مربع

از اراضی عراق به اشغال نیروهای جمهوری اسلامی درآمد. در این حال عراق اعلام کرد عملیات نصر ۴ را در هم شکسته است و تلفسات جمهوری اسلامی در این نبرد به بیش از ۴۰۰ کشته و زخمی بالغ شده است.

پنجشنبه ۴ تیر

به گزارش عراق، ناوهای آن کوریک هدف بزرگ دریایی را که قصد ورود به بندر شامیه را داشت، هدف موشک قرار داده آن را غرق کردند.

به نوشته لوموند، در روزهای ۱۵ و ۱۴ تیر ماه، ریحارد مورفی معاون وزارت خارجه آمریکا و ولادیمیر پوپلیا کوف، معاون وزارت خارجه شوروی، برای سومین بار در ژنو با یکدیگر دیدار می کنند و درباره جنگ جمهوری اسلامی عراق، اوضاع خلیج فارس و مسائل ورمیان به گفتگو خواهند پرداخت.

دولت اسرائیل سرانجام مدارک مهمی را که مربوط به تحویل سلاحهای ساخت آمریکا به رژیم تهران است در اختیار کمیسیون های تحقیق کنگره آمریکا قرار داد.

به نوشته روزنامه کویتی برای العام معرقا فی رهبرایی، با ردیگر جنگ جمهوری اسلامی و عراق را جنگی دیوانه و اروبی حاصل لقب داد و از رژیم تهران خواستار رشدهای آن پیمان بخشد.

جمعه ۵ تیر

ها شمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران، آمریکا را بشدت مورد حمله قرار داد و گفت ما نمیخواهیم در خلیج فارس جنگیم ولی اگر جنگی روی دهد جنگ طولانی خواهد بود و ما پیروز خواهیم شد. وی گفت: اگر یک قطره خون از سوی آمریکا در خلیج فارس ریخته شود، سیل خون در دنیا راه می افتد. رفسنجانی درگیری نیروهای سوریه و حزب الله را در لبنان توطئه آمریکا دانست و گفت: ما این اشتباه را از سر به بعد میادانیم.

دونا وچنا شناس نیمه شب گذشته یک نفتکش وچون روزه را پس از ترک بندر احدی کویت مورد حمله قرار دادند. همزمان یک ناوچه شناسنا در یک نفتکش عظیم لیبریایی را در خلیج فارس مورد حمله قرار داد و آن را به آتش کشید.

ناظران، این حملات را پاسخ رژیم جمهوری اسلامی به آزرگیری حملات عراق علیه نفتکش ها میدانند. گزارش خبرگزاری ریها، در هفته های اخیر پاسداران جمهوری اسلامی، با استفاده از ناوچه های سریع که در جزایر سوکوها یا نفتی خلیج فارس مستقر هستند، چندین بار در تاراجی شب و با استفاده از موشک و مسلسل نفیشتن ها را مورد حمله قرار داده اند.

سفیران شوروی در تهران و بغداد، با مقامات این دو کشور دیدار کردند و پیرامون اوضاع خلیج فارس و طرح پیشنهادی شورای امنیت برای پایان بخشیدن به جنگ جمهوری اسلامی و عراق به گفتگو پرداختند.

شنبه ۶ تیر

عراق اعلام کرد حملات جمهوری اسلامی

را در جبهه شمالی درهم شکسته است و ارتقاغات اشغال شده را با زپس گرفته است.

حسن علائی فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران، اعلام کرد که اقدامات اخیر آمریکا در خلیج فارس به منزله اعلام جنگ علیه جمهوری اسلامی است.

یکشنبه ۷ تیر

واشنگتن پست به نقل از مقامات وزارت دفاع آمریکا فاش کرد که اخیرا "محموله جدیدی از سلاح های چینی از جمله موشک های بمب افکن و موشک های کرم بریشم به بغداد رسیده است.

سیدعلی خامنه ای، در تهران تهدید کرد اگر عراق به پشتیبانی حضورناوهای آمریکا در خلیج فارس دست ببرد عملیاتی بزند، جمهوری اسلامی توجه به پیرامون نفتکشها در خلیج فارس به پاسخوشتی خواهد پرداخت. میرحسین موسوی نیز پس از بازدیدما نورنیروی دریایی در بندرعباس اظهار داشت: آمریکا در خلیج فارس شکست خواهد خورد. وی افزود: این خلیج با دیدای آمریکا با شدای اسلامی.

سعیدراجائی خراسانی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل، که در ایران بسر میبرد، اعلام کرد که ایران خودش بتنهائی تصمیم خواهد گرفت که چه وقت جنگ را در خلیج فارس پیمان دهد. وی تا کید کرد که سازمان ملل متحد شورای امنیت قادر نیستند مسئله جنگ را حل کنند.

جمهوری اسلامی اعلام کرد هوا پیمایهای عراقی با مداد امروز، محله های مسکونی سردشت را با سلاحهای شیمیائی بمباران کردند که طی آن ده نفر کشته و ۶۵۸ زخمی شدند.

دوشنبه ۸ تیر

کشور اسلامی موریتانی بخاطر اعتراض به سرخسختی جمهوری اسلامی در آغا جنگ و خودداری رژیم اسلامی از آغاز مذاکرات، روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی قطع کرد. قطع روابط موریتانی بلافاصله بعد از دیدار فرستاده امیرکویت از موریتانی صورت گرفت.

جمهوری اسلامی امروز اعلام کرد که سپاه پاسداران با کمک شورشیان کرد عراق، صبح یکشنبه عملیات فتح ۷ را در جنوب سلیمانیه واقع در کردستان عراق آغاز کردند و به مدت چند ساعت شهرک های حلیمه و سیدماذق را به اشغال خود درآوردند.

مجلس خبرگان پنجمین اجلاس خویش را آغا زکر، در نخستین جلسه آیت الله مشکینی برپاست مجلس خبرگان و ها شمی رفسنجانی به سمت ناایمب اول رئیس انتخاب شدند.

عراق با وجود تهدیدهای جمهوری اسلامی اعلام کرد یک هدف بزرگ دریایی را در نزدیکی سواحل ایران مورد حمله قرار داده است.

کلنیه دیپلماتهای جمهوری اسلامی

در لندن به جز آخوندزاده که ردا سفارت چند ساعت قبل از پایان صلهتی که دولت انگلستان تعیین کرده بود خاک این کشور

را ترک کردند. سه شنبه ۹ تیر

علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی، در دیدار با زوین، ازکسورت والدها، یمن رئیس جمهوری اتاریش علیرغم سوابق نازی وی دعوت کرد که برای یک دیدار رسمی به ایران برود.

چهارشنبه ۱۰ تیر

سختگیری ریاست جمهوری آمریکا اعلام کرد و اشنگتن به تلاش گسترده ای برای پایان بخشیدن به جنگ جمهوری اسلامی و عراق دست خواهد زد و افزود هدف از این تلاش بین المللی آن خواهد بود که جنگ بین دو کشور، بدون غالب و مغلوب به پایان رسد.

علیرضا افشار سخنگوی سپاه پاسداران اعلام کرد که جمهوری اسلامی، جزایر خلیج فارس در حوالی تنگه هرمز را برای مقابله با هرگونه حمله ای مسلح کرده است.

پنجشنبه ۱۱ تیر

سیدعلی خامنه ای هنگام بازدید از یگان موشکی سپاه پاسداران، تهدید کرد که ایران با قدرت موشکی خود قادر است آمریکا را در خلیج فارس به خطر اندازد.

جمعه ۱۲ تیر

شوروی با انتشار بیانیه ای پیشنهاد کرده که همگامی های جنگی متعلق به کشورهای خارجی در اسرع وقت از خلیج فارس خارج شوند و جمهوری اسلامی عراق، از هرگونه اقدامی که کشتی رانی بین المللی را در خلیج فارس بخاطر انداخته دست بردارد. در این بیانیه آمده است که ادامه جنگ جمهوری اسلامی و عراق به وضوح هرچه بیشتر اوضاع می انجامد و کار به چنان مرحله خطراتی خواهد رسید که ما جزا از یک جنگ منطقه ای فرا تر رود و به یک بحران بین المللی تبدیل شود.

شنبه ۱۳ تیر

جمهوری اسلامی از پیشنهاد شوروی حسن استقبال کرد و حضور نیروهای خارجی را در خلیج فارس غیرقابل تحمل توصیف کرد.

یکشنبه ۱۴ تیر

میرحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی نیز پیشنهاد شوروی را یک پیشنهاد سازنده توصیف کرد. رئیس دبیرخانه کاخ سفید نیز اظهار داشت چنانچه شوروی کشتی های خود را از خلیج فارس خارج کند آمریکا نیز ممکن است پیشنهاد شوروی را مورد بررسی قرار دهد ولی کنترل این منطقه را هرگز بدست شوروی نخواهد سپرد.

دوشنبه ۱۵ تیر

ساعت ۸ وده دقیقه صبح امروز، انفجاری در یک اتوموبیل رنو متعلق به سفارت جمهوری اسلامی در شمال شهر ما درید که محل اقامت هیئت های دیپلماتیک است رخ داد و سه نفر از جمله راننده اتوموبیل سفارت بشدت مجروح شدند.

کلیسای انگلستان اعلام کرد گزارش دبیروزنانه کویتی الانباء مبنی بر این که تری ویت اخیرا " در گذشته است، بسیار مشوش است اما قمار در به تائید صحت این گزارش نیست.

هماندی عناصر داستان سرایی

در داستان های ایرانی و سامی

بقیه از صفحه ۶

نهانی پسر زاد و با کس گفت همی داشت آن نیکویی در نهفت بیاورد آه تن دایمه را یکی پاک پرشم و با مایه را نهانی بدوداد فرزند را چنان شاه شاخ برومند را کسی کوز فرزند او نام برد چنین گفت کان پاک زاده بمرده همان تاج شاهی بسر بر نهاد همی بود بر تخت پیروز و شاد توجیهی که فردوسی از این روش های می کند این است که وی را پادشاهی و افسرداری خوش آمده بود و از این روی فرزند را به یاد سپرد و شهرت داد که وی مرده است. اما پس از مدتی کوتاه (هشت ماه) پسر به صورت پادشاه (بهمن) درآمد: بدین سان همی بود تا هشت ماه پسر گشت ماننده رفته شاه بفرمود تا درگری (= نجاری) پاک مغز یکی تخته چست از درکار رنگز یکی خرد صندوق از چوب خشک بگردند و برزد برا و قیر و مشک درون نرم کرده بدیبا ی روم برانوده بیرون او مشک و موم میانش برآورد خوشاب کرد

بسی ز سرخ اندر و ریخته عقیق وزیر جرد برآمیخته بیستند بس گوهرشاهوار ببا زوی آن کودک شیرخوار بدانگه که شد کودک از خواب مست خروشان بشد دایه چرب دست نهاد بصندوق در نرم نرم بچینی پرندش بیوشید گرم سرتنگ تابوت کردند خشک به ذوق و بیعبر بقیر و بمشک ببردند صندوق را نیم شب یکی بردگر نیزنگشاد لب زبیش همایش بیرون تا ختنند با پفسرات اندر انداختند پس اندر همی رفت پویان دومرد که تا آب با شیرخوار چه کرد چو کشتی همی رفت چوب اندر آب نگهبان آنرا گرفته شتاب سینه چوب بر زد سرا ز کوهسار بگردید صندوق بر رودبار بگا زرگی که اندر رود سنگ سرجوی را کار کرده تنگ یکی گار آن خرد صندوق دید بیویدوز کارگه برکشید چوبگشاد گسترده ها برگرفت بماند اندران کارگه زرگشت بجا مه بیوشید و آمد دمسار پرا میدو شان در و روشن روان سبک دیده بان پیش ما مش دوید صندوق و گار زبگفت آنج دید جها ندا رپیروز با دیده (= دیده بان) گفت که چیزی که دیدی بیاید نهفت

داستان گار، و آنچه برای دارا در زندگی با او و زوش پیش آمد کرد، خود چنان که پیش تر یاد نمودم در داستانها جدا گانه به نام دارا نام، و اکنون جزئیات آن را، حتی از روی شاه نامه نیز که سرگذشت دارا در آن به مراتب کوتاه تر از دارا نام آمده است نمی توان نقل کرد، چه آن کارنیا زبگفتاری جدا گانه دارد. همین اندازه گویم که گار چون کودک را با آن زر و گوهر و دیبا و پیردا ز آب گرفت بی درنگ کار را رها کرد و کودک را به خانه آورد: چوبیگا هگا زربیا مد ز رود بدوخت و گفت هست این درود که با ز آمدی جا مه ها نیم نم بدین کار کرد، از که یای بدم؟ دل گار از درد پزورده بود یکی کودک زیرکش مرده بود زن گار از درد کودک توان خلیده زخان، تیره گشته روان بدو گفت گار که با زار هوش ترا زشت با شدا ز این پس خروش کنون گرما ندسخن در نهفت بگویم پیش سزا و ارجفت بستگی که من جامه را برزم چوب کیزه گردید با افکنم در آن جوی صندوق دیدم یکی نهفته بدواندرون کسودکی چومن برگشادم در بسته باز بدیدار آن خرد آمد نیاز اگر بود ما را یکی پور خرد نبودش بسی زندگانی بمررد کنون یافتی پور با خواسته بدینا رودیبا بیا راسته

بقیه در صفحه ۱۱

معرفی کتاب

دکتر محمد مصدق

جلیل بزرگمهر

در دادگاه

تجدید نظر نظامی

هما نظر بر که در شما ره های گذشته یا آوری کردیم ۹ جلسه اولیه دادگاه تجدید نظر نظامی به ایرادیه ملاحظیه است دادگاه اختصاص یافته است. در جلسه نهم، دادگاه، به اکثریت آراء (رای مخالف از شاگردان سر تیب مطلق نوشا بود) به ملاحظیه خود آراء داد.

در همین جلسه دادگاه به تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۳۳۳ سر تیب آرموده دادستان نظامی، اعتراضات خود را به آراء دادگاه بدوی بیان میدارد و آنگاه رئیس دادگاه دکتر مصدق را به توضیح درباره لایحه اعتراضیه اش دعوت می کند.

رئیس دادگاه: جلسه تشکیل است. آقای دکتر محمد مصدق در مورد لایحه اعتراضیه خود هرگونه توضیحی تا بیاید.

دکتر مصدق: فصل اول لایحه بنده راجع به عدم ملاحظیه و عدم تکمیل پرونده بود و فصل دوم اعتراضیه به حکم بدوی بود که قسمت اول آن مربوط به وقایع شب ۲۵ مرداد می باشد.

قسمت اول: وقایع شب ۲۵ مرداد

به دنبال وقایع ۹ اسفند که می خواستند مرا در مقابل کاخ اختصاصی از بین ببرند چون موفق نشدند و وقایع دیگری روی داد که در آنجا در دستجات مختلف هردو تیر بسپار نمود. خیر خواهان از این جهت متاثر شدند که مبارزه وفداکاری ملت ایران در راه آزادی و استقلال به این نتیجه رسید که شرکت سابق نعت خلع ید شد، کنسولگری های انگلیس که هر یک در مقرر خود حکم سران مطلق بودند منحل گردید، نمایندگان سیاسی آن دولت که در مورد اخذ این کشور از دخالت های ناسا و خود را نمی گردانند از این مملکت رفتند و ملت ایران موفق شد که مقدمه آزادی و استقلال خود را فراهم کند و دولت ما موراجرای منویات ملت - گذشته از اینکه توانست متجاوزان زدن را بدون عوارض مملکت را اداره کند و بوجه تاسف سیما تفت را هم بدون تاسف خیر ببرد از وی و هم قمار در بود که در راه مورکشور را بدون عوارض مملکت بگرداند. همچنان که قرن ها می گذشت به جای اینکه چنین دولتی از حمایت اعلیحضرت برخوردار شود و مورد تقویت مجلس واقع گردد تا بتواند نقد سر را در شراقت نماید یا حریف متعقد کند "بلایا" مورد مخالفت عده ای از نمایندگان مجلس ۱۷ قرار گرفت و چینی نماینده بود که با دسیسه و تزویر بعضی از آنها ساکت شود که چون مردم خیر خواه و روشنفکر دریا فتنه زور مجلس پیش از نفعش شده بود سیله رفتارندوم آری به انحلال آن دادند و دولت را از یک خطر حتمی رها یی بخشیدند و بعد کودتای شب ۲۵ مرداد که تا قصمانندوبه نتیجه نرسید سبب شد که روز ۲۵ مرداد در هر فرد دستهای برای خود فکری و اندیشه ای نموده و هر کدام به یک صورت تجلی کند. اخلاگران هم تظاها را می بکنند و چون آنها به بدو دست تقسیم می شوند، دو هدف مختلف و متعارض داشتند. هدف یک دسته این بود که بدخواهان مملکت و عمالشان را از آنها رها کند و بدو دولت را متهم به همکاری با اجزای چپ نموده و ساکت نمایند و نفع ملی ایران را که بر ضرر آنها بود از بین ببرند ولی اینجانب به هیچ یک از این دو دسته اهمیت نمی دادم چون که تا به مسلط نبودند تا بتوانند کاری بکنند همه در جرای بدخواهند ایم و می دانیم هر وقت شبکه ای از دستجات چپ کشف شده بیش از یک تفنگ یا هفت تیر و چند فشنگ و چوب دستک ها را دیگر هم با جنوازی و بی جوارزهست در آن شبکه بیشتر نیا فتنه اند و اشخاص بی سلاحه غیرا ز کشیدن نعره چه کاری می توانند بکنند؟ اینک به سر تیب آرموده بکرات در دادگاه قبلی گفت اگر روز ۲۸ مرداد آن ملت خانه من و کسانم را خراب و آنها را بیسای بعضی از خانه های مجاور غارت نمی کرد معلوم نبود که مملکت به کجا می رسید حرفی بود که از آن می خواست کودتا را موجه کند و چنین وانمود کند که اگر کودتا نمی شد جمهوری دموکراتیک جانشین سلطنت مشروطه می شد و لشگرهای مرکز تا تک و طیاره و تفنگ قمار در نبودند حتی یک عده نعره کش را هم متفرق کنند؟

جلوگیری شد. دادگاه نه فقط می بایست به وقایع ۴ روزه آخر مرداد در سیدگی کند بلکه تحقیقات فیزی در سوابق آنها می کرد و رابطه علت و معلول را از نظر دور نمی داشت و آنچه در روزهای آخر مرداد ما واقع شده بود هر یک را به حساب فاعل آن می گذاشت. جمع آوری تمام آن وقایع در حساب یک نفر آن هم به منظور برهم زدن اساس حکومت و ترتیب وراثت تخت و تاج و تحریض مردم به مسلح شدن بر ضد قدرت سلطنت که هیچ موضوع خارجی نداشت برای اشخاص بی غرض قابل قبول نیست. اگر می گفتند که اساس حکومت را برای چه مقصودی می خواستند بر هم زنند و ترتیب وراثت و تخت را از چه نظر تغییر دهند و همچنین مردم را با کدام اسلحه به ضدیت با قدرت سلطنت تحریض کردند آن وقت ممکن بود به این گفته ها ترتیب بدهند. به صرف اینکه من می خواستم اساس حکومت را تغییر دهم و هیچ دلیلی هم برای آن ذکر نکنم خصوصا این که دلیل ضد آنها هم با شد و آن تشکیل شورای سلطنتی است این حرف در هیچ دادگاهی پذیرفته نیست مگر اینکه دادگاه ما موربا شد متهم را محکوم کند.

قبل از نهم اسفند ۲۱ و ۲۵ مرداد ۲۲۵ من مرتکب چه خلافی شده و چه وقایعی روی داده بود که در آنجا جرای ۹ اسفند و کودتای ۲۵ مرداد بشوم؟ بعد از زیا رت دستخط هر قدر فکر کردم به چه طریق اقدام کنم که صلاح مملکت و صلاح شخص خود هر دو تواءم باشد را می بینم که در آنجا چون نگذاشتن در و صلح در دو نقطه که ملاقات قرار گرفته و در یک جا ممکن نبود جمع شوند. صلاح شخص من این بود که دستخط را وسیله آسایش خود قرار دهم و دست از کار بکشم ولی به خود می گفتم اگر می خواستند ما را از طریق انصاف رفتا رکنند این طور پیش نمی آمد. کتا ره جویسی من خواه از طریق عزل، خواه استعفا خواه خواهد شد مردم از بین برود و بعد نتوانند ترا تعقیب کنند من و همکارانم با بدینا تیم، مقاومت کنیم یا به هدف برسیم یا را از بین ببرند ولی هدف ما ندوان زمین نبود. عدم جرای دستخط نه از نظر تردید بود نه از نظر حصول یکی از مواد مذکور در ماده ۳۱۷ قانون داری ارتش که سر تیب آرموده را مشمول آن ماده نموده است. عمل من و همکاران من مطلقا "وطن پرستان" نبودند و در مقام مملکت نبودند که منافع اعلیحضرت هم در آن مستتر است و به همین جهت در اصل آن تردید نمودم و به خود می گفتم هرگز شانه ها به آن راه را و رغبت امضاء نفرموده اند و بعد به نظر می رسید که بخواهند دولت مبارزی را، دولتی را که مردم با یک اکثریت بی سابقه ای رای به بقای آن داده اند تا بیامند و مبارزه خود را ادامه دهند با صدور یک دستخط از بین ببرند. (۱)

قسمت دوم: اعتراضات به حکم دادگاه بدوی یا فوق العاده

از سیزده فقره آنها می که به من در صدر دادگاه من نسبت داده اند ندانم چه برای هر یک از آنها مجازاتی مقررات است هر کدام را که من مرتکب شده ام برای مجازات آن نیز از آن و دل خاطر و هیچ کس نخواهد گفت که چنین حکمی مغرنا نه ما در شده است ولی مشروط بر اینکه تنها من محکوم شوم. اکثریت آنها می هم که بر علیه من و بر علیه دولت من مرتکب خلاف قانون شده اند به کارشان رسیدگی شود و به سزای خود برسند غیر از این ...

در ساعت ۱۱/۱۰ تنفس اعلام شد و در ساعت ۱۱/۲۰ جلسه تشکیل شد (دکتر مصدق اجازه گرفت بنشیند و به دفاع ادا مدهد.)

غیر از این یعنی مجموع اعمال دیگران را به حساب من گذا ردم و مرا به این بها نه که می خواستم سلطنت مشروطه را تبدیل به جمهوری دموکراتیک کنم محکوم کردن جز اینکه بگویند نظرا این بوده است که انتقام بیگانگان را از ما بکشند چیز دیگری نخواهد گفت.

اکنون هر یک از ما را دعای دادستان را با آن آنچه نویسندگان رای دادگاه نوشته اند به ترتیب نقل و در مقابل هر یک اعتراض خود را عرض می نمایم.

۱ - موردا دعای دادستان در مورد دستور زدا شست سر هنگ نعمت الله نصیری (سر تیب فعلی) فرما نده گارد شانه های که حامل فرمان عزل بوده و نویسندگان رای دادگاه به چنین اظهار نظر نموده اند:

" سر هنگ نصیری سر تیب فعلی حامل فرمان را توقیف کردند تا دورا بلاغ فرمان مکتوم بماند.

اعتراض - بلاغ فرمان منطقی نبود که با توقیف سر تیب نصیری بتوان آن را مکتوم نموده و موضوع آن را از بین برد. همرا هان او وعده دیگری می دانستند که سر تیب حامل فرمان است اگر مقصود از توقیف این بود که بلاغ فرمان مکتوم بماند پس از وصول نمی بایستی اینجانب رسیدداده باشم. این حرف به هیچ وجه منطبق ندارد خود اینجانب هم پیش از دو سه روز نمی توانستم در آنجا تصمیمی را جع به جرای فرمان یا عدم اجرای آن تا خیر کنم. توقیف او از این نظر نبود که کسی از فرمان اطلاع حاصل نکند بلکه از این جهت بود که دستور او بر خلاف اصل ۱۳ متمم قانون اساسی که می گوید: " منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است، در هیچ مسکنی قهرا " نمی توان داخل شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر کرده است. دو وزیر و یک نماینده مجلس شورا یملی را در خانه های خود مضر و مضر نموده اند و بی لباس و بی برهنه به شهر آورده اند و آنجا به سدا با دبر در زدا شست کرده اند و اکنون در این دادگاه عرض می کنم گذشته از

اینکه بین عمل بر خلاف قانون اساسی بوده مخالف ماده ۱۹۳ قانون مجازات عمومی هم هست که مرتکب با یدیه سه سال حبس تا دیوبی و محرومیت از خدمات دولتی محکوم شود. خود سر تیب نصیری هم ساعت یک بعد از نصف شب ۲۵ مرداد با افراد مسلح به شصت تیر و زره پوش آمد که مرا هم دستگیر کند. چون قبل از این که بیاید من خبر رسید و قوای بیشتری در جلواخانه آمه تهیه گردید، به مقصد نرسید و کودتای اونا قصمانند و دستخطی که با خود آورده بود بلاغ نمود که این عمل نیز مشمول ماده ۸۲ قانون مجازات عمومی است که می گوید: " هر یک از وزرا و اعضای پارلمان و صاحب منصبان و ما موربین دولتی که بر ضد حکومت ملی قیام نمایند و یا حکم قیام را بدهد محکوم به اعدام است. " این بود علت توقیف سر تیب نصیری و معلوم نیست که دادستان این ارتش از چه نظراصل ۱۳ متمم قانون اساسی و ماده ۸۲ و ۱۹۳ قانون مجازات عمومی را ندیده گرفته است و نویسندگان رای دادگاه هم خود را به اعتراضات اینجانب آشنا ننموده و مطلب را به سکوت برگذا ر کرده اند. بعد از دستگیری من و همکارانم و هزارها نفر مردم و پسران توقیف و تبعید و محکوم شدن دولتی افسرانی که مرتکب این اعمال شده بودند به ترفیع نائل گردیدند این است معنای سلطنت مشروطه و عدالت قانون؟

۲ - موردا دعای دادستان مربوط به توقیف غیر قانونی افرادی از ما موربین رسمی و غیر رسمی است که نویسندگان رای چنین نوشته اند: " سبب اعلامیه های مبنی بر ارتشام کودتا منتشر می شد تا که ردا هشا هرا متجاوز و معرفی و بیانه های برای توقیف طرفیان مقام سلطنت داشته باشند پس از آن خدمتگزاران مقام سلطنت از رئیس دفتر و اعضای وزارت دربار زدا شت کردند تا مقام شامخ سلطنت بی وقر شده و مردم در قیام مسلحانه علیه خاندان سلطنتی تحریض گردند.

اعتراض - اولاً ما موربت گارد سلطنتی این بود که از کاخهای سلطنتی و ذات ملوکانه محافظت کنند نه اینکه وزرا و نماینده مجلس را در خانه خود دستگیر و زدا شت نمایند و با افراد مسلح به شصت تیر و زره پوش برای دستگیری من هم بیاید و بی قوه بیشتری مواجبه شوند و نتوانند مقصود خود را انجام دهند. اینک به نویسندگان رای دادگاه نوشته اند اعلامیه های مبنی بر ارتشام کودتا منتشر می شد تا که لازم است عرض کنم کودتا یک عمل نظامی است که سببها برای تغییر رژیم یا سقوط دولت مرتکب می شوند و بر طبق رونوشت نامه ۱۵۴۸۷۰ تیمسار سر تیب دادستان فرما نده نظامی تهران هم که تسلیم دفتر دادگاه قبلی شده یک عمل نظامی و کودتای به تمام معنی حقیقی بوده که بیواسطه مواضع خارجی که راه فاعل در آن مدخلیت نداشت تا قص و بیی تر شده است.

ثانیا - اینجانب راجع به توقیف طرفیان مقسام سلطنت دستوری ندهادم و هر عملی شده قوای انتظامی به مسئولیت خود کرده اند. آقای هیبر در رئیس دفتر شانه های نامهای به اینجانب نوشت که به محض وصول دستور آزادی ایشان داده شده چه خوب بودند نویسندگان رای دادگاه می گفتند که تحریض به قیام مسلحانه را کی کرده و در کجا شده تا مطلب در آنها منما ند و حقیقت بر دادگاه و مردم معلوم شود.

۳ - موردا دعای دادستان: خلع سلاح گارد هشا های که حافظ اعلیحضرت همایونی و کاخهای سلطنتی است که نویسندگان رای دادگاه نوشته اند: " پس از آن نوبت خلع سلاح گارد هشا های رسید تا اگر اعلیحضرت همایونی به تهران نزول ا جلال فرمایند بی محافظ باشند که مزاحمت رجا له و دسته های مغرض مانعی نداشته باشند.

اعتراض - خلع سلاح از نظر جلوگیری کودتای دیگر که به وقوع پیوست صورت گرفت چنانچه گارد هشا های در شب ۲۵ مرداد از حدود ما موربت خود تاج و زرمی نمود و خود را وارد مکره سیاه می کرد این ترمه در سیاره ا و نمی شد. دولت وظیفه دارد که موقع تشریف فرمای اعلیحضرت همایونی وسایل حفاظت شانه های را از هر جهت فرام کنند چنانچه در آن وقت دولت وظیفه خود را انجام نمیداد و مسامحه می کرد. مسؤل بود.

۴ - موردا دعای دادستان: راجع به مهر و موم کاخهای سلطنتی و خلع ید نمودن متصدیان و مباحث سرین و مستحفظین دربار شانه های از موال و کاخهای سلطنتی است که نویسندگان رای دادگاه نوشته اند: " نظر دولت این بوده که شانه های حق سلطه به موال خود نداشته باشند.

اعتراض - علت مهر و موم این بود که اعلیحضرت بسدون اطلاع قبلی وبدون صدور هیچ دستوری از مملکت خارج شدند و نمی شد پیش بینی کرد چه وقت مراجعت می فرمایند و ما موربت دوا فرمودند عتقادوزارت دفاع ملی در کاخهای سلطنتی از این جهت صورت گرفت که در اسئوال سلطنتی حیف و میل نشود چنانچه این کار نمی شد و غیبت اعلیحضرت به طول می انجامید و اشیا شانی در کاخ سلطنتی از بین می رفت آن وقت می گفتند دولت حفاظت اشیا مسامحه نموده است. ا براد هموار د بود.

۵ - موردا دعای دادستان: صدور تلگراف به سفرا ایران در خا رجه دایر به ملاقات و نگرفتن تماس با اعلیحضرت است که نویسندگان رای دادگاه نوشته اند: چون از عزم اعلیحضرت همایون شانه های به خارج از

دکتر محمد صالح قی

جلیل بزرگمهر

در دادگاه تجدید نظر نظامی

بقیه از صفحه ۸

کشور اطلاع یافتند به سفاکانه‌های ایران تلگراف کرده اند تا شاه در معاشرت و عمل خود محدود گردد. اعتراض - از این تلگراف اینجانب هیچ اطلاع نداشتم چنانچه آقای دکتر فاطمی بگوید به دستور اینجانب چنین تلگرافی شده هر مجازاتی که قانون معین کرده است تحمل می‌کنم.

۶ - مورد ادعای دادستانی: مدوردستور حذف نسام شاهنشاهی از دعای صبحگاه هوشیاران در سربازخانه‌هاست که نویسندگان را می‌دانند نوشته اند: برخلاف دفاع یکی از متهمین که سیرا سلامی را فقط دعای پادشاه عادل دانسته در احکام اسلامی مقرر شده که پادشاه ظالم را نیز دعا کنید تا خداوند به طریق صواب هدایت فرماید و در هیچ مورد منع از دعا و توسل به حق توصیه نشده است.

اعتراض - وظیفه سربازان نیست که اول اطمینان حاصل کنند پادشاه عادل هست یا نیست و در صورت اخیر از خداوند بپای او را بخواند و چنانچه معلوم شد که پادشاه عادل نیست از خداوند مسئلت نماید که او را به طریق صواب هدایت فرماید. هرگونه تحقیق در این باب مخالف دسیسایین نظامی و اصل اطلاعات و انقیاد است که در ارتش نباید از آن تخلف شود.

افراد و درجه داران و افسران باید به آنچه مری شود اطاعت کنند و از آن به هیچ عنوان تخلف ننمایند. چون اینطور تصور شد که شاه حاضر نیستند بپای نام خود را مقدم بر نام ایران بدانند لذا دستور داده شده که سربازان به بپای ایران دعا کنند و علیحضرت‌ها مری هم در یک مملکت مستقل و از سلطنت بفرما بپندود دعای صبح و شاه سربازان به بپای ایران دلیل قصد خیانته شاهنشاهی نبوده است.

۷ - مورد ادعای دادستانی: دستور تشکیل میتینگ با وسایل تبلیغاتی دولتی برای اهانته به مقام سلطنت و رژیم مشروطیت و پیش‌جریان میتینگ به وسیله رادیو می‌باشد که نویسندگان را می‌دانند نوشته اند: "سپس مقدمات میتینگ فراهم شد تا مردم را به سقوط اساس حکومت تشویق نماید و دستور میتینگ همکاران و محارم سیاسی دکتر مصدق به شاه اهانته کردند و این گفتارهای اهانته آمیز در رادیو گفته شد و عین نطقها فیلمبرداری شده و از دیو منشنر گردید."

و نیز در توضیح راجع به کیفرخواست در دادگاه بدوی در باب این ادعا آن مرد (۲) چنین اظهار نمود: "من از او (مقصود دکتر مصدق است) خواهش می‌کنم هر دفاعی که می‌کنند در جواب اظهارات من باشد عرض کردم که من لایق نیستم ولی خواهش می‌کنم هر دفاعی که می‌کنید پاسخ ملت ایران باشد چون تردید ندارم

این صدامن صدامت ایران است" که من در آن دادگاه توجه به مفهوم این بیانات نکرده بودم و بعد که به وقت خواندم متأسفانه چرا در موقع جواب ندادم اکنون به دادن جواب میادرت می‌شود. پس از آن اعتراض خود را در خصوص را می‌دانند که بدوی عرض می‌نمایم.

همه می‌دانند که دولت اینجانب تنها دولتی بود که بدون هیچ سابقه و فقط روی افکار عمومی تشکیل شد و علت این بود که ما ده‌ها و ده‌ها راجع به ملی شدن صنعت نفت به خودی خود کافی نبودند مردم را تا به معین کنند و موارد دیگری هم لازم بود که تا طرز اجرای آن را معلوم نمایند تا اجرای آن به نفع مردم صورت بگیرد و از آن نتوانند سوء استفاده کنند. روی همین نظر هم مجلس شورای ملی کمیسیون نفت را برای تنظیم مواد اجراییه و گزارش آن به مجلس مأمور نمود. مواد مذکور در کمیسیون مطرح شورق را گرفت ولی تصویب نشده بود.

مقارن ساعت ۱۲/۰۰ جلسه تعطیل و رسیدگی مجدد به ساعت ۵ بعد از ظهر موکول گردید. در ساعت ۱۷/۰۰ جلسه دادگاه تجدید نظر نظامی مجدداً تشکیل گردید. رئیس دادگاه (خطاب به آقای دکتر محمد مصدق): بقیه لایحه خود را قرائت فرمایید.

دکتر مصدق: (در دادگاه ملاحظه) ... که روز چهارشنبه ۴ اردیبهشت به من خبر دادند دولت استعفا خواهد داد و شخص دیگری تشکیل دولت می‌دهد که کارهای نفت را به کلی فلج کند و آنچه را هم تاکنون شده از زمین ببرد که روز ۵ اردیبهشت من در جلسه علنی مجلس اعلام خطر کردم و عصر آن روز ماضی خود را بکار بردم تا مواد آن گانه به تصویب کمیسیون رسید و خبر آن را همان شب در خانه خود به جناب آقای حسین علاء نخست وزیر دادم. در آن جلسه از استعفا صحبتی نبود و مذاکرات آن را جمع به این بود که روز سه‌شنبه دهم اردیبهشت ماه که به اول ماه مه و عید کارگران مصادف بود راجع به انتظامات دولت چه اقدام کند که پیش‌آمد بدی نکنند ولی روز سه‌شنبه هفتم که برای حضور در جلسه فوق العاده به مجلس حاضر شدیم معلوم شد روز قبیل که جمعه و تعطیل بود نخست وزیر استعفا داده و جلسه فوق العاده از این نظر تشکیل شده بود که مجلس نظر خود را نسبت به نخست وزیر آینده اظهار کند و یکی از نمایندگان که یقین داشت من برای تشکیل دولت حاضر نمی‌شوم (۳) تعارفی به من کرد و منتظر جواب ردم من بود تا شخصی را که بین مقاماتی و عدهای از نمایندگان معهود بود پیشنها دکنند و را می‌توانم بیل به او بدهم (۴) که چون تمام فداکاریهای مردم از زمین می‌رفت اینجانب بلا تأمل موافقت نمودم. نمایندگان من و نیز نمایندگان منفرست و بیطرف برای اینکه از مهله‌های تمایل اجباری خود

را خلاص کنند کف زند و مخالفین هم از آنها تبعیت کردند و همگی به من تبریک گفتند ولی چون اشخاصی بدین طریق مخالف من مشروطه بودند من نمی‌توانم که بر طبق معمول در تالار جلسات رسمی اظهارات کنم و در آن وقت و آن عدها زما بندگان مخالف را می‌دانند و اتفاقاً به آنها اکثریت میداد گشت. زما بدینست اگر عرض کنم که با اکثریت نصف بعلاوه یک هم من از قبول خدمت منصرف نمی‌شدم ولی تشکیل دولت را به این موقوف کردم که گزارش کمیسیون نفت در مجلس مطرح شود و مواد آن گانه از تصویب بگذرد پس از آن دولت تشکیل گردد که این کار هم شد و تا عصر روز دوشنبه نهم اردیبهشت مواد مذکور از تصویب هر دو مجلس گذشت.

اکنون تصدیق می‌فرمایند اگر افکار عمومی پشتیبان نبود چگونه ممکن بود کاری که مخالف سیاست یک دولت بزرگ در این مملکت بود با آن سرعت و سهولت از مجلس بگذرد. حال با بدید دولت که به این ترتیب تشکیل شده بود بطوری توانست به کار خود ادامه دهد. همه می‌دانند که در هر مملکت دولت قدرتیست بدون داشتن یک مرکز تکیه و وظایفی که به عهده آن محمول می‌شود انجام دهد. در مملکت صورتاً مستقل ایجا مراکز تکیه با سیاست‌های خارجی است. یعنی مجالسی روی کار می‌آوردند که با دولت مطلوب آنها موافقت کنند و دولت هم وظایف خود را در مقابل آنها انجام می‌دهد در صورتیکه در مملکت معنا "مستقل مرکز تکیه دولت فقط ملت است و بیس".

اکنون من از آقای سرتیپ آرموده که مدعی صدامت است سؤال می‌کنم که بگوید که یک از این دو مرکز می‌توانست و صلاح بود مرکز تکیه من بشود؟ و تا درست فکر کنند و نوبت به او برسد و جواب بدهد می‌گویم که دولت متکی به ملت نمی‌توانست از مردم سلب آزادی کند یعنی قدرت را از مردم بگیرد و بر علیه خود مردم به کار برسد و هر کسی که می‌خواست در مملکت حرفی بزند و سخنی اظهار کند و دهان را باز کند (از کلمات قصار خود ایشان) دولت متکی به مردم می‌بایست با مردم همکاری کند و مردم را در تعیین مقدرات خود شرکت دهد تا بتواند خود را در دنیای ملل آزاد قرار دهد. دولت متکی به مردم نمی‌توانست بگوید مردم را به کار دولت چه کار؟ مردم کار خود را بکنند و دولت هم وظایف خود را در آنجا می‌دهد. دولت مال مردم بود از طرف مردم و برای مردم کار می‌کرد پس مردم باید می‌دانستند که دولت برای آنها چه کرده است. اینکه بعضی از جرایم نوشته اند اگر واقعاً روز ۲۸ مرداد پیش‌نیا مده بود یعنی خانه من و اولادم غارت نشده بود و اموال ما و بعضی از ما ورین ماه به غارت نرفته بود سلطنت مشروطه به جمهوری بدل نمی‌شد و مبدل شده بود و مملکت روبرو زوال و نیستی رفته بود چیزی غیر از ظلم واقع و حقیقت نوشته اند چون که شب ۲۵ مرداد حتی یک نفر هم برای جمهوری نخره نگشاید بود و تمام وقایع روز ۲۵ عکس العمل کودتای ساعت یک صبح آن روز بوده است.

دولت می‌توانست و قادر بود اگر آن عده نخره کش بی- اسلحه با زجره بکشند جلوگیری کنند و آنها را با کمال سرعت و سهولت به جای خود بیاورند. اگر یک ارتش مسلح نمی‌توانست یک عده نخره کش بی اسلحه را ساکت کند پس ارتش چه کاری کوچکتر از این می‌توانست برای مملکت بکند؟ هر کسی بگوید ارتش ایران قادر نبود از مملکات یک عده نخره کش بی اسلحه جلوگیری کند تو همین بزرگی است که به ارتش این مملکت نموده است.

این ها یک مطالبی است که حتی یک فرد عادی هم از خواندن و شنیدن آن اغفال نمی‌شود و فقط بهانه‌های است برای اینکه دول بیگانه در کار ما دخالت کنند. از کودتای شب ۲۵ نظراً این بود که دولت سقوط کند چون این کار نشدن آنچه در روزهای آخر مرداد هم عکس العملی پیدا نکرده بود تقریباً "کودتا تجدیدی" شد تا نتیجه‌های که از آن می‌خواستند و آن سقوط دولت بود حاصل شود.

اعتراض - بنا بر آنچه عرض شد میتینگ من نبودم. هر وقت که نمایندگان اصناف یا احزاب ملی اجساز میخواستند به شرط آنکه احزاب چپ نطق کنند و قسواً انتظامی از آنها جلوگیری کنند موافقت شده است. و تا روز ۲۵ مرداد مردم نبودند که نطق‌ها را تطبیق من سا نور بشود تا تطبیق نطق می‌کردند و رادیو هم بر حسب معمول منتشر می‌نمود. از آن جهت که در روز ۲۵ مرداد دهنه جنبه خاصی داشت نه برخلاف معمول بوده است.

اینکه نویسندگان را می‌دانند نوشته اند: "مقدمات میتینگ فرا هم شده تا مردم را به سقوط حکومت تشویق نمایند" عاری از حقیقت است. بر فرض اینکه نا تطبیق مطالبی گفته باشند برخلاف قانون عمل آنها از چه نظر با بد در حساب من گذارده شود. من نمی‌توانم با استیصال عمل آنها متهم شده باشم مگر اینکه ثابت شده باشد که من شریک عمل آنها بوده‌ام.

۸ - مورد ادعای دادستانی: دستور باین آوردن و شکستن مجسمه‌های اعلیحضرت فقید را شاه کبیر و اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی بطور بی‌وقر و بالنتیجه تشویق عناصر خالص گریه قیام بر علیه سلطنت و رژیم سلطنت مشروطه ایران بوده که نویسندگان را می‌نوشته اند: "با بین آوردن مجسمه‌های شاهنشاهی فقید و فرود آوردن مجسمه‌های اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شکستن آنها که همه این اعمال به منظور تحریک مردم به ضدیت با قدرت سلطنت مشروطه و قیام بر علیه پادشاه

کشور بوده است". اعتراض - از فرود آوردن مجسمه‌های اعلیحضرت همایون شاهنشاهی اینجانب بی اطلاع و هیچ دستوری هم در این باب نداادم ولی اصولاً با نصب مجسمه مخالف بوده و هشتم گذشته از اینکه ساخت و نصب مجسمه شرعاً جایز نیست. بر فرض اینکه بخوانند که ری برخلاف شرع بکنند آن را باید بعد از ختم دوره هر سلطنت در ازای خدماتی که پادشاه به مردم کرده است نصب کنند. متأسفانه سفاکانه اکتساب مردم من مغرض مجسمه را وسیله پیشرفت اغراض خود قرار می‌دهند اگر سفاکانه افرادی از دستجات چپ بسرای مجسمه‌ها احترامی قابل نمی‌شدند اکنون اشخاص مغرض مخالفین خود را از هر قبیل به این عنوان که به مجسمه بی احترامی کرده اند گرفتار حبس و بند می‌کنند و مجسمه وسیله اعمال غرض و ایذاء مردم شده و افراد دیگر هم روی حب و بیغضی احترامی که شاه بسته مقامات مخ مجسمه است به جانشی آورند و قسمتی از اوقات قوای انتظامی باید صرف محافظت مجسمه‌ها بشود.

و اما راجع به مجسمه‌های اعلیحضرت شاه فقید صبح ۲۶ مرداد به اینجانب خبر رسید که احزاب چپ می‌خواهند آنها را از جای بکنند. چنانچه این کار می‌شود دولت آنها را به جای خود نمی‌گذارد دولت را متهم می‌کردند که احزاب چپ همکار می‌کنند این بود که برای رفع محظورات احزاب و احزاب ملی خود این کار را کرده‌اند و این عمل روی صرف عقیده انجام شده و به منظور تحریک مردم به ضدیت با قدرت سلطنت انجام نگرفته است.

نظریات دیگری هم بود که در موقع بازجویی گفته‌ام و در آن دادگاه تکرار نشد برای اینکه کسی را آنجا آورده بودند که ممکن بود گوینده را از زمین ببرند (۵) و شاید در این دادگاه هم باشد اینها بر این چیزی عرض نمی‌کنم و در آن محترم می‌توانند به پیرونده مراجعه نمایند. ۹ - مورد ادعای دادستانی: دستور انحلال مجلس شورای ملی است. در خاتمه اعتراضات نظریات نویسندگان را می‌دانند که راجع به این ادعا و اعتراض خود را نسبت به نظریات نویسندگان عرض می‌کنم.

۱۰ - مورد ادعای دادستانی: دستور تحت نظر قرار دادن افراد خاندان سلطنتی به استان‌های آذربایجان است که نویسندگان را می‌دانند که در این باب نظری اظهار رنموده و موضوع را به همان مورد ادعای دادستانی در مورد دادگاه به وظیفه خود عمل کرده‌اند.

اعتراض - اینجانب از این دستور اطلاعی نداشتم و قوای انتظامی به وظیفه خود عمل کرده‌اند. ۱۱ - مورد ادعای دادستانی: دستور بازداشت غیر قانونی تیمسار سپهبدزاده‌ای نخست وزیر منصوب و تعیین جایزه برای دستگیری معظم له میباش که نویسندگان را می‌دانند نوشته اند: راجع به دستور بازداشت غیر قانونی تیمسار سپهبدزاده‌ای نخست وزیر منصوب و تعیین جایزه برای دستگیری ایشان متهم اظهار می‌دارد چون تیمسار را میرده‌ها سیاست دولت اینجانب مخالف بودند دستور بازداشت ایشان داده شده است.

اعتراض - زما مداری تیمسار سپهبدزاده‌ای بعد از صدور دستخط عزل اینجانب و رونوشت نامه‌ها و اول شهریور ۱۳۳۲ تیمسار سررتیب دادستان فرماندار نظامی تهران که در جلسه نهم آذر تسلیم دفتر دادگاه بدوی شده دلیل مسلم و غیر قانونی تر دیدم مخالفت ایشان با دولت اینجانب بوده است و چون بر طبق مجله فرانسوی "ا ب س و ت" مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۳ که تسلیم دفتر این دادگاه شد تیمسار خود را در خانه کلنل آدامن صاحب منصب آمریکا بی‌مخفی کرده بود و دولت اینجانب به دستگیری و بازداشت تیمسار ایشان موفق نگردید لذا عملی واقع نشده که آنها را وارد بیا شد.

۱۲ - مورد ادعای دادستانی: حذف سرود شاهنشاهی از برنامه‌ها دیوتهران است که نویسندگان را می‌دانند که نوشته اند "آنها بی که طرفدار بقا و حفظ استقلال و تمامیت کشور ایران بوده‌اند اعلام سرود شاهنشاهی را در هر صبح و شام و هر محفل، رمز شاه دوستی ملت ایران دانسته و ترک این سنت سوئ قصد بر علیه رژیم کشور تلقی می‌شود".

اعتراض - اینجانب دستوری برای حذف سرود شاهنشاهی از برنامه‌ها دیوتهران نداادم و آقای بشیر فرهمند سرپرست اداره تبلیغات توضیحات لازم را در این باب به دادگاه قبلی داده‌اند ولی شخصاً "معتمد که سرود شاهنشاهی در نقاطی که مردم برای رفع خستگی و صرف وقت و تفنن می‌روند وسیله بسیار موزنی است که ما مورین دولت از آن سوء استفاده نکنند و با هر کسی که غرض از رندبسه این عنوان که در موقع سرود احترامات لازم را به شاه نیاورده و او را دستگیر و توقیف کنند و من یقین دارم که شاهنشاهی هرگز رضای نمی‌شود که به عناوین مختلف زحمت و عذاب مردم را فراهم کنند.

دنیا له مطلب در شماره آینده



بقیه از صفحه ۱

فرانسه دستگیر کند، اما گرجی روز دستگیریش نا پدید شد. به گفته پاره‌ای منابع، یکی از مقامات وزارت امور خارجه بخاطر جلوگیری از تیرگی بیشتر روابط فرانسه و جمهوری اسلامی، وی را از دستگیری قریب الوقوع آگاه ساخته بود. در آن زمان اعلام شد که گرجی به سوئیس گریخته است.

تا این که روز سه شنبه ۳۰ ژوئن، رادیو "اروپا یک" اعلام کرد "وحید گرجی" به احتمال زیاد در سفارت جمهوری اسلامی در پاریس پنهان شده است. در ایام روز، پلیس فرانسه ساختمان سفارت جمهوری اسلامی را در پاریس محاصره کرد و بطور سیستماتیک هویت کلیه کسانی را که به سفارت وارد یا از آن خارج می‌شدند مورد بررسی قرار می‌داد.

هم‌زمان، سفارت فرانسه در تهران نیز به محاصره ما موران جمهوری اسلامی در آست و سخنگوی وزارت خارجه اسلامی، رفتار دولت فرانسه را با "ایران تیان مقیم فرانسه" و کارکنان سفارت محکوم کرد و اعلام داشت، پلیس فرانسه با زیرپا گذاشتن قوانین دیپلماتیک هرکس اعم از ارباب رجوع یا کارمندان سفارت جمهوری اسلامی در پاریس می‌شود، مورد تفتیش قرار می‌دهد.

وزارت خارجه اسلامی همچنین یکی از دیپلمات‌های سفارت فرانسه در تهران را به انجام عملی منافرتی و ظلمت‌آمیز دیپلماتیک وی متهم کرد.

میرحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی نیز روز چهارشنبه ۱ ژوئیه - اعلام کرد که فشارهای دولت فرانسه بر دیپلمات‌های جمهوری اسلامی و اتباع ایران در پاریس، بی‌جواب نخواهد ماند.

وزارت امور خارجه فرانسه، به نوبه خود تا یکدیگر که سفارت فرانسه در تهران تحت محاصره است و جمهوری اسلامی حتی از خروج ۲۸ نفری که در داخل سفارت بسر می‌بردند جلوگیری می‌کند. وزارت خارجه فرانسه با تسلیم اعتراض رسمی خود به دولت جمهوری اسلامی اقدامات رژیم تهران را غیرقابل پذیرش دانست.

وزارت خارجه فرانسه همچنین اتهامات جمهوری اسلامی را مبنی بر آن که اعضای سفارت در تهران دست به فعالیت‌هایی مغایر مشون دیپلماتیک زده اند، رد کرد و اعلام داشت رژیم جمهوری اسلامی سعی دارد بین مسئله وحید گرجی و اتهامات بی اساسی که به دیپلمات‌های فرانسوی وارد می‌کنند پیوند ایجاد کند، حال آن که بین این دو مورد هیچ ارتباطی وجود ندارد.

در این گیرودار سفارت جمهوری اسلامی اعلام کرد عصر چهارشنبه - اول ژوئیه - غلامرضا حدادی کاردار سفارت تیک کنفرانس مطبوعاتی برگزار خواهد کرد. هنگامی که خبرنگاران رسانه‌های گروهی پس از گذشتن از هفت خوان تفتیش پلیس فرانسه و ما موران سفارت وارد سالن کتابخانه سفارت جمهوری اسلامی شدند، با کمال تعجب وحید گرجی را به عنوان مترجم در کنار غلامرضا حدادی یافتند.

ماجرای وحید گرجی

رسوایی تازه سفارت خمینی

دیپلمات‌های فرانسوی در تهران تشکیل شده بود.

دولت فرانسه روز جمعه با ردیگر تا کید کرد که وحید گرجی با دیدن برای ادای شهادت در پاریس به بمب‌گذار ریهای زمستان ۱۹۸۶ پاریس خود را به پاریس پرونده معرفی کند. کاخ نخست وزیری فرانسه روز شنبه اظهار داشت گرجی دارای گذرنامه خدمت است و به هیچ وجه از مصونیت سیاسی برخوردار نیست. سخنگوی وزارت خارجه فرانسه نیز به نوبه خود اعلام کرد که سازمان امنیت فرانسه در چارچوب تحقیقات خود در پاریس، دو بار در فوریه و مارس ۱۹۸۶ از "وحید گرجی" با زحمتی کرده است.

در این حال مطبوعات جمهوری اسلامی برخلاف معمول خود، تا روز شنبه - سوم ژوئیه - روشی بسیار ملایم در مقابل فرانسه در پیش گرفته بودند و از هر نوع حمله‌ای به دولت فرانسه خودداری کردند. مطبوعات تهران بدون هیچ تفسیری تنها به چاپ گزارش‌های خبرگزاری‌های خارجی و مطبوعات فرانسه در این باره اکتفا می‌کنند. تنها روز شنبه، رادیو جمهوری اسلامی به فرانسه در برابر برنتا بیج پیش - بینی نا پذیر محاصره سفارتخانه‌اش در پاریس هشدار داد و از دولت فرانسه خواست که دست از این بازی خطرناک بردارد.

رادیو جمهوری اسلامی گفت: فرانسه با این عمل در دام توطئه‌ای افتاده است که مسلماً بدون پاسخ نخواهد ماند. مفسران دیپلماتی تهران همچنین اظهار داشت: با روی کار آمدن دولت شیراک

حدادی در سخنان خود، مسئولیت اوضاع را متوجه وزارت خارجه فرانسه کرد و اظهار داشت: روز سوم ژوئن که پلیس به آپارتمان وحید گرجی مراجعه کرد، آقای "دیدیه دسترمو" یکی از اعضاء وزارت خارجه فرانسه ضمن ملاقات با حدادی به سوی اطمینان داد که وزارت خارجه فرانسه مایل نیست وحید گرجی دستگیر شود و بنا بر این بهتر است تا آرام شدن اوضاع وی در سفارت باقی بماند.

به گفته حدادی، "دسترمو" به وی قول داد که وزارت خارجه فرانسه اقدامات لازم را برای حل این مشکل انجام خواهد داد. همچنین به گفته حدادی، دیپلمات‌های فرانسوی مسئولیت این سوء تفاهم را بر عهده پاره‌ای شخصیت‌های غیر سیاسی فرانسه دانست که در مدخل طمعه زدن به روابط دو کشور هستند. حدادی اعلام کرد که گرجی تا زمانی که فرانسه به مواضع سابق خود برنگردد یعنی روند عادی شدن روابط را ادامه دهد - به کار خود در سفارت ادامه خواهد داد.

اما وزارت خارجه فرانسه بلافاصله اظهارات حدادی را بشدت تکذیب کرد و اعلام داشت که آقای "دسترمو" نه تنها هیچگاه هیچ مقامات فرانسوی را به گرجی نرسانده است بلکه برعکس وزارت خارجه با رها به سفارت جمهوری اسلامی گوشزد کرده است که وحید گرجی باید فوراً "به سوالات با زیرپا پاسخ گوید".

حدادی در کنفرانس مطبوعاتی خود همچنین گفت که در پاریس ۷ هفته قبل با وزیر خارجه فرانسه دیدار و گفتگو کرده است و از وی خواسته است این جریان به سرعت خاتمه یابد تا گرجی بتواند به آپارتمان خود بازمگردد.

حدادی بدون اشاره به اتهامات وارد شده به گرجی، به عنوان دفاع از وی اظهار داشت که وی یکی از فعالترین اعضاء سفارت است و برای عادی شدن روابط میان جمهوری اسلامی و فرانسه تلاش فراوان کرده است. حدادی در پایان سخنانش در مورد دلجوئی از دولت فرانسه برآمد و گفت: روند عادی شدن روابط دو کشور، میتواند به دور از نقض قراردادهای بین المللی و تحریکات، به مسیر خود ادامه دهد. حدادی ادعا کرد که مذاکرات برای حل اختلافات مالی دو کشور بطور مثبت ادامه دارد و به هدف نهایی نزدیک می‌شود.

بدنبال ظهور گرجی در سفارت جمهوری اسلامی که به گفته مطبوعات فرانسه، دهن کجی به دولت فرانسه محسوب می‌شود ساعتی با زده همان شب، جلسه اضطراری در حضور فرانسوا میتران ریاست جمهوری فرانسه با شرکت نخست وزیر و وزیران امور خارجه، کشور و امنیت تشکیل شد. در پایان این جلسه ۹۰ دقیقه‌ای بدون آن که بیانیهای منتشر شود، سخنگوی نخست وزیر فرانسه اعلام داشت که جلسه مذکور برای ارزیابی اوضاع و بررسی وضع

روابط ایران و فرانسه روبه بهبود گذاشت و پاریس بنا بر دیدن فرانسویان سوسیالیست‌ها بگذارد این روابط به وخامت گراید. در نخستین واکنش سیاسی نسبت به ماجرای گرجی در فرانسه، پیرژوکس، وزیر پیشین کشور و رئیس فعلی گروه سوسیالیست‌ها در مجلس شورای ملی، از وزیر امور خارجه خواست تا توضیحات شد و رولان دوما، وزیر خارجه پیشین و نماینده فعلی مجلس از ژیسکا رداستن رئیس کمیسیون خارجه مجلس خواست تا تشکیل کمیسیون خارجه برای رسیدگی به روابط جمهوری اسلامی و فرانسه شود.

در این میان وزارت امور خارجه فرانسه، شبانه شب اعلام کرد که مقام‌های جمهوری اسلامی بعد از ظهر شنبه تصمیم گرفتند که به کارکنان سفارت فرانسه در تهران اجازه دهند به شرط ارائه اسناد هویتی شان از سفارتخانه خارج شوند. بر اساس بیانیه وزارت خارجه فرانسه، تا دستور صادر شود، ملاقات به کارکنان سفارت جز به پزشکان داده نمی‌شود.

از سوی دیگر ژان برنارمون، وزیر امور خارجه فرانسه که بعد از ظهر یکشنبه برای دیداری رسمی به اردن رفت، بود، بخاطر حساسیت اوضاع، سفر خود را یک روز و دو روز تا زمان مقرر به پاریس رساند و پس از دیدار با ملک حسین و مقامات بلندی پاریس به اردن عودت و شنبه به پاریس با زنگشت، وی در مصاحبه‌ای با خبرنگاران در مان گفت: روند عادی شدن روابط با جمهوری اسلامی قطع شده است و در حال حاضر هیچ مذاکره‌ای بین دو دولت جریان ندارد. وی در مورد ماجرای وحید گرجی گفت: "اوا از مصونیت سیاسی بهره‌مند نیست و باید خود را به پاریس معرفی کند، رویه دولت فرانسه در این مورد کاملاً قاطع است."

خلیج فارس دور از آرامش و امنیت

بقیه از صفحه ۳

هنوز ژنرال والتر سفر مهمش را در دیدار با مسئولان کشورهای عضو دائمی و غیر دائمی شورای امنیت به پایان نرسانده است. علاوه بر آن کنگره آمریکا، اگر چه آشکارا تصمیم‌ریگان را مورد تکیه و تهنیت سخت قرار داده، اما به راه‌های دیگری در این باره برنخاسته است.

در حال، از مجموع وقایع و حوادث و جهت‌گیریهای سیاسی چنین پیدا است که بحران خلیج فارس به مرحله تازه‌ای وارد شده است که حضوراً بر قدرتها بیش از هر زمان دیگر محسوس است. اگر رزمنا و های آمریکایی امروز بخاطر عدم قطع جریان نفت به اسکورت نفتکش‌های اسکوت آمریکا میرنشین برمی‌آیند، پیش‌بینی برخورد‌های عمدی و یا غیر عمدی، از نوع آنچه که در مورد رزمنا و آمریکا بی "استارک" رخ داد، چندان دور از واقعیت نیست. در خلیج فارس، روزهای کهدر پیش است، بهر روی، از روزهای آرام‌مانی بسی دور است.

ندارد، زیرا فقط در سایه همکاری همه کشورهای منطقه، ایجاد آرامش و امنیت در این منطقه امکان پذیر خواهد بود.

*

تصمیم پرزیدنت ریگان در اسکورت و حفاظت نفتکش‌های کویت به وسیله رزمنا و های نیروی دریایی آمریکا، که بنا به اعلام کاخ سفید از روز ۱۵ ژوئیه جاری صورت خواهد پذیرفت، سرنوشست قطعاً به پنج عضو دائمی شورای امنیت را احتمالاً به خطری اندازد. از هم‌اکنون چین و شوروی از واکنشگتن دور شده‌اند و دو کشور بعنوان اعضاء دائمی شورای امنیت تصمیم رئیس جمهوری آمریکا را در محافظت نظامی از نفتکش‌های کویتی تقبیح و محکوم کرده‌اند.

این موضع دو عضو نیرومند شورای امنیت باعث شده است که در راهروهای سازمان ملل متحد از هم‌اکنون، از تصویب قطعنامه‌ها تغییرات مهم سخن به میان آید و علاوه بر آن، اختلاف نظرهای ده کشور عضو غیر دائمی شورای امنیت در موضوع قطعنامه‌ها دیده آشکار شده است.

بقیه از صفحه ۱

و به همان دلیل که در جمهوری اسلامی روزنا مه مستقل و روزنا مه نگار مستقل وجود ندارد مسجد و منبر و روحانی مستقل هم نمیتوانند وجود داشته باشند. شاید شاخصی تصور میکنند که دگانه ویژه روحانیون را آیت الله خمینی بسرای رسیدگی به جرائم عادی، از قبیل زنا و لواط و سایر منکرات تشکیل داده است. چنین تصویری اشتباه محض است. این قبیل جرائم امروز دیگر در جمهوری اسلامی به تساهل برگزار میشود. بنفرض هم اگر مواد معدودی پیش می آمد که یا آخوندی کار را به رسوائی کشانده بود و جرمش قابل سربوش گذاری و ماست مالی کردن نبود، یا میخواستند جریمه از مقوله فسق و فجور و زدنی و هیزی بسرای ببندند و خلق لباس کنند همان دادگاهی که زیر نظر آیت الله منتظری در قم تشکیل شده بود برای این موازین تکفایت میکرد. فرمانی که آیت الله خمینی صادر کرده و رأی این حرفهاست. بر اساس این فرمان، بوقت لزوم خود آیت الله منتظری راهم میتوانند به دادگاه بکشند و خلق لباس کنند.

در متن فرمان انتصاب رئیس و دادگاه ویژه روحانیون، آیت الله خمینی می نویسد:

" شما باید به جرائم روحانی نمایان و دین بدنی فروشان رسیدگی کنید و با سابقه های که در مورد آشنایی با فعالیت عناصردر رژیم در صورت و هر لباس دادید باید بدون در نظر گرفتن فشاها را جانی از طرف هر شخص یا شخصیت به وظیفه خود عمل کنید..."

هیچ اسمی از فسق و فجور و منتهیات و منکرات در میان نیست. آیت الله صریحا تاکید و انحصارا راجع به "فعالیت عناصردر رژیم" دستور میدهد و البته در صورتی که ضرورت اقتضاء کرد میتوان این "عناصر" را به بهانه ارتکاب فسق نیز محاکمه و خلق لباس کرد.

چند هفته قبل از آن که فرمان آیت الله خمینی صادر شود، آیت الله شیخ یوسف ماضعی امام جمعه وقت قم در خطبه نماز

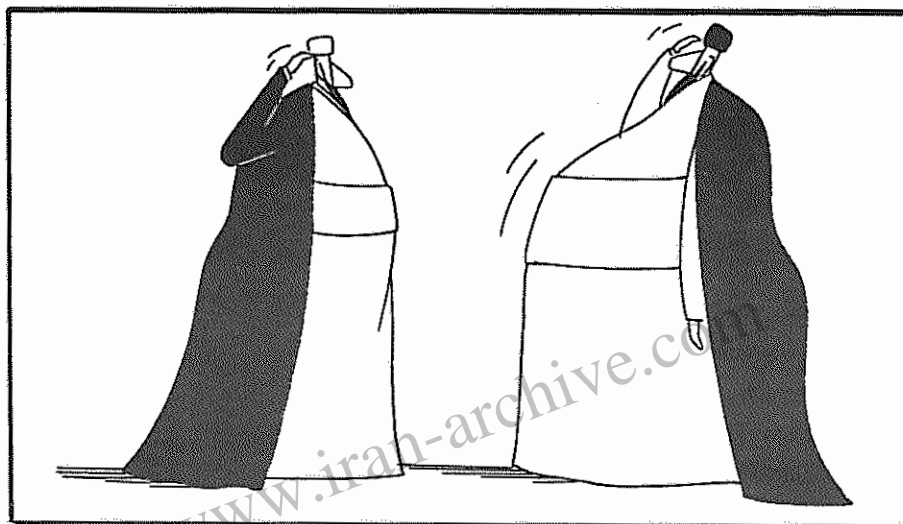
مذهب دولتی

بجای دولت مذهبی

جمعه، شرح کشافی راجع به فضایل نماز جماعت صحبت کرده و چنین گفته بود:

" نماز جماعت از ۱۰۰/۰۰۰ نماز انفرادی ثوابش بیشتر است - خوب به ارقام توجه فرمائید اگر کسی بسرای نماز جماعت به مسجد برود برای هر قدمی که برمیدارد ۷۰/۰۰۰ حسنه در نامه اعمالش مینویسند. ۷۰/۰۰۰ درجه به او میدهند و اگر در مسیر نماز جماعت از دنیا رفت ۷۰/۰۰۰ فرشته در قبرش انیس و رفیق او میشوند و تا روز بیعت و روز نشور برای او طلب مغفرت و آمرزش می کنند..."

معروف به حجت الاسلام در آنجا نماز میگذازد. سید وقتلی شیخ جعفر را دید محراب را به او گذاشت. شیخ نماز مغرب را به جماعت گذارد و همه به او اقتداء کردند. بعد از نماز، بصوف نمازگزاران نگاه کرد. آخوند ملا علی نوری فقیه بزرگ عصر را بین جماعت دید. گفت بیا در محراب تا نماز عشاء را بتواقتا کنیم. آخوند قبول نکرد. شیخ برخاست و نزد او رفت و دستش را گرفت و او را رکود که به محراب برود و به نماز بیاستد. آخوند گفت ترا به مرتضی علی اصرار مکن. شیخ پرسید



با این مقدمات لابد انتظار دارید حضرت آیت الله بگوید کسی که به نماز جماعت می رود حق دارد بدینند پشت سر کسی نماز میخواند و آیا آن که جلوی صف نماز، به امامت ایستاده و اجدشروط "عدالت" هست یا نه؟

شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء که رئیس و اعلم علمای عصر خود بشمار می آید قرارش این بود که وقت نماز به هر مسجدی میرسید یک نماز را خود به جماعت میخواند و در نماز دیگر پیش نماز آن مسجد را مقدم میداشت و به او اقتداء میکرد. در اینها، روزی به محله بیدآباد رفت و در وقت مغرب به مسجدی وارد شد که سید محمد باقر شرفی

علت این همه انکار چیست؟ آخوند ملا علی گفت دلیل خاصی ندارد جز این که من شرایط امامت را در خود نمی بینم! شیخ جعفر نجفی خمگین شده که اگر بعد از هفتاد و هشتاد سال فقط شرایط امامت در تو موجود نباشد پس چه کسی میتواند واجد آن شرایط باشد؟

در آن اوایل، وقتی آیت الله خمینی حجت الاسلام خامنه ای را بعنوان امام جمعه تهران برگزید شیخ علی مدرس تهرانی شوهر خواهر خامنه ای گفته بود از همینجا فهمیدم حکومت خمینی تا چه حد اسلامی است، زیرا رهبران انقلاب بسرای امامت جمعه تهران کسی را عادل تر از

اعدام کردند و امروز هیچ راهی برای بازگشت آنها با زمانه نیست آنها بمحض خروج از زندان از فرط انزوا ناچار به هم زمان خود ملحق می شوند. در ماه گذشته زده نفری که از زندان آزاد شدند هفت نفر به عراق گریختند، دویست نفر را هم دولت مجددا "بازداشت کرد و یک نفر آزادمانده است. دوری مردم ایران از مجاهدین دلایل دیگری هم دارد یکی نفرت آنان از مسببین انقلاب ۵۷، دومی نفرت آنان از گروههای مذهبی رادیکال، سومی نفرت از هرکس که کلمه "انقلاب" تبلیغ میکند، چهارمی نفرت از حضور و همدستی مجاهدین در عراق است.

گزارش های ایران

بقیه از صفحه ۱۱

در مورد کمیته پهنی - آیت الله العظمی منتظری شکایت برد که این تقیصه هم بر طرف گردید.

بنظرمی رسد که مجاهدین تغییر موضع داده و اندک اندک خود را از شعارهای اسلامی و ظاهرا سلامی مثل حجاب بیرون می کشند که یقینا "خود شما در اروپا و آمریکا شاهد این تغییرات کتیک هستید. آنها کم کم در شعارهای سیاسی بیشتر به خط جبهه ملی نزدیک شده اند و سخن از مصدق و میهن - پرستی می گویند. البته در کل قضیه این تغییر موضع شان نشان دهنده پایان عصر استوره های مذهبی و آغاز تولد مجددا ایده ثلویذهای سیاسی جمله

سید علی آفای ما پیدا نکرد! با ری، آیت الله ما نعی، شاگرد دست پرورده آیت الله خمینی، بعد از آن مقدمات در باره اهمیت نماز جماعت به مومنین هشدار میدهد که میباید شیطان فریبشان بدهد و در باره "عدالت" پیشنمازهای جمهوری اسلامی تردید نکنند. شمر، یزید، کافر، فاسق، فاجر، دزد سرگردانه، هرکس را رژیم برای امامت مناسب تشخیص داد مومنین باید به او اقتدا کنند و فقط باید مراقتب باشند که ما جماعت مخالف جنگ و مخالف دولت و خدا انقلاب نباشد. در آن صورت وظیفه شرعی حکم میکند که پدر او را بسوزانند.

شیخ میگوید:

" میباید شیطان و وسوسه ات کند که من دیدم مثلا این آقا رنگ ما شینش سفید بود، پس من به او اقتداء نمیکنم! این وسوسه شیطان است. میباید بگوئی زندگیش، بجهش، قوم و خویش اینچنین است. اینها وسوسه شیطان است. این بی عمر نقل کرده است که به یک نفری مدتها اقتداء میکردم و بعد معلوم شد او تنه اش عادل نبوده، بلکه مسلمان هم نبوده است. به ما ما صادق معروض داشتیم. امام فرمود نمازها بیت درست است و احتیاج به اعاده ندارد... این وسوسه ها معمولا وسوسه شیطان است. اما اگر دیدید امام جماعتی خدا نقلابی حرف میزند آبرویش را درجا معبریزید، اگر دیدید علیه جنگ سخن میگوید تنه به نماز جماعتش سخن نروید به دیگران هم بگوئید، به مسئولین بالاتر هم بگوئید و درجا معبریزید، اما اگر حرف خدا نقلابی میگوید، حالا سلیقه اش با تونمی خواند، اینها هیچکدام خلاف شرع بودنشان نیست!"

فرمان خمینی برای تشکیل دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم روحانیون و خطبه آیت الله ما نعی، هر دو ریشه کاسلام سیاسی دارد: صدای اعتراض روحانیون غیر دولتی که خواستار بازگشت روحانیون به مسجد و پرهیز از شرکت در خونریزیها و رذالت های قدرت است، هر روز سارتمی شود و رژیم که از رویایی مستقیم با آنها هراس دارد، می خواهد با توسل به حربه جرایم، فریاد آنان را خاموش سازد.

وادی ایران ساعت های پخش برنامه

برنامه اول
ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کورتسبانه رده های ۲۵ متر (فرکانس ۱۱۷۵۰ کیلوهرتز) ۲۱۰ متر (فرکانس ۱۵۸۵ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۱۷۰ کیلوهرتز).

برنامه دوم
ساعت ۶/۵۵ تا ۶/۵۵ روی امواج کورتسبانه رده های ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۶۰۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کورتسبانه رده های ۲۱ متر (فرکانس ۱۶۰۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلوهرتز).

نشانی:

QYAM IRAN
C/O C. B.
17, bd RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد